

میزگرد نقد و بررسی

اصطلاحنامه فرهنگی فارسی (اصفا)



شرکت کنندگان

۱. خانم دکتر ناهید بنی اقبال، دبیر جلسه
۲. آقای دکتر فریبرز خسروی، سرویراستار اصفا
۳. آقای رضا فراسستی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۴. خانم نرگس قدیمی، کتابخانه ملی
۵. خانم وتر، کتابخانه ملی
۶. خانم مریم کازرانی، کتابخانه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۷. خانم دکتر فاطمه رهادوست، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی
۸. خانم دکتر نسرين دخت عماد خراسانی، کتابدار بازنشسته
۹. آقای محمد مرادی، پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسیا)
۱۰. آقای پورممتاز، انتشارات فرافرنگ
۱۱. آقای باقری، شرکت پارس آدرخش
۱۲. آقای کیوان کوشه، کارشناس مرکز اطلاع‌رسانی جهاد کشاورزی
۱۳. آقای محمد سمیعی، سردبیر کتاب ماه کلیات

سرفصل‌ها

۱. معرفی و توصیف اصفا
۲. بررسی پیشینه اصطلاحنامه‌نگاری در ایران
۳. گزارشی از روش اجرای طرح
۴. الگوهای رده‌بندی موضوعی
۵. بررسی ساختار واژگان زبان فارسی
۶. میزان پیش‌همارایی در واژگان
۷. مشکلات ناشی از فقدان طراحی دو زبانه
۸. اصفا به عنوان یک فراواژگان در علوم انسانی
۹. پیشنهاد انتشاراتی
۱۰. تجربه بکارگیری اصفا در نظام اطلاع‌رسانی کشور

* خانم بنی اقبال: به نام خدا. قبل از هر چیز لازم می‌دانم از دست‌اندر کاران کتاب ماه کلیات تشکری از جانب خودم و از جانب شما عزیزان که دست اندرکار استفاده از اصطلاحنامه‌ها هستید، برای میزگردی که تشکیل داده‌اند و تصمیمی که در خصوص بررسی اصطلاحنامه اصفا گرفتند، داشته باشم. این ابزار الآن به عنوان "اولین" در دست ماست. شاید تعدادی از شما اعتراض داشته باشید که من تعبیر "اولین" را به کار می‌برم، اما حقیقت این است که تزاروس کاملی که در آن ارتباط واژگان با هم تعیین شود، قبل از اصفا نداشته‌ایم. من بی‌خبر از اصطلاحنامه‌های دیگر نیستیم. اما به حقیقت در این اصطلاحنامه‌ها اگر واژه‌ای به عنوان، واژه اعم آن هم از نظر شکلی با چند تورفتگی زیرش بیان شده، واژه اعم به معنای واقعی نبوده است. چیزی که در اصطلاحنامه‌های فرنگی از ترجمه "broader topic" برداشت می‌شود، معنای اصلی‌اش آن است که تمام مباحث موضوعی را که در زیر می‌خواهد بیاید جمعاً می‌پوشاند. در حالی که در اصطلاحنامه‌هایی که ما قبل از اصفا با آن سر و کار داشتیم حتی به



ناهید بنی اقبال :

در مورد معرفی اصفا، مسئله، پوشش موضوعی آن است. در مورد فیزیک، شیمی، پزشکی و کشاورزی، تکلیف ما روشن است، خط می کشیم که اینها قلمرواش هستند. اما قبول کنید که در زمینه های فرهنگی، کشیدن این خطها خیلی کار دشواری است. جنبه های تربیتی، فرهنگی، اقتصادی و... بنا بر این مهم این است که چنین پوششی انتخاب شده است

اندازه در صد کوچکی هم به این مسائل پرداخته نشده بود. اما در مورد اصفا، ما مثل بسیار زیبایی داریم که دیکته نانوخته غلط ندارد؛ کسی که رجز خواند و وارد گود شد می داند که مبارزه کردن آسان نیست. در سالهایی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دست اندرکار نمایه سازی بودم، برای مستند کردن یک نمایه حقوقی بعد از زیر و رو کردن حداکثر مراجع حقوقی، بالاخره دست به دامن صاحب نظران دانشکده حقوق می شدیم. بنا بر این قبول می کنیم که کاری آسان نبوده است و من به تمام مجریان اصطلاحنامه اصفا دست شما درد نکند، می گویم که لااقل رجز خوانند و وارد گود شدند. مسئله دوم در مورد معرفی اصفا مسئله پوشش موضوعی آن است. در مورد فیزیک، شیمی، پزشکی و کشاورزی، تکلیف ما روشن است، خط می کشیم که اینها قلمرواش هستند. اما قبول کنید که در زمینه های فرهنگی، کشیدن این خطها خیلی کار دشواری است. جنبه های تربیتی، فرهنگی، اقتصادی و... بنا بر این مهم این است که چنین پوششی انتخاب شده است. حال اصفا چقدر توفیق پیدا کرده که این گستره

فرهنگی را ببوشاند، به مرور بررسی خواهد شد و ان شاء الله قوت هایش را همه به دست اندر کاران اجرای این طرح تبریک خواهیم گفت و کمبودها را هم مطرح خواهیم کرد و تلاش خواهند کرد تا حدی که ممکن است برطرف شود.

* آقای خسروی: من هم به نوبه خودم از بزرگوارانی که مرحمت کردند و در این جلسه حضور پیدا کردند و بانیان این امر خیر، تشکر می کنم و آرزو دارم مجموعه برداشت هایی که از این جلسه حاصل می شود - ان شاء الله - بر غنای حرکت های فرهنگی مجموعه اطلاع رسانی کشور بیفزاید. من خیلی مختصر نحوه شکل گیری اصفا را خدمت دوستان توضیح می دهم و پیشینه را تا حدی که میسر است عرض می کنم. مرکز فرهنگی آسیا پیش از انقلاب مشغول نمایه سازی مقالات بود. پس از انقلاب، مجموعه دوستانی که در آن مرکز فعال بودند به سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی منتقل می شوند و در آن جا، نمایه سازی مقالات فرهنگی را ادامه می دهند. طبیعتاً آن

دوستانی که با نمایه‌سازی سر و کار دارند می‌دانند که همیشه کمبود یک مجموعه منضبط واژگانی به صورت اصطلاحنامه، رنج آور و مساله‌ساز است. این دوستان در سال ۶۹ به فکر افتادند که منسجم کردن آن اطلاعات و توصیف‌گرهایی را که تا آن زمان پدیدآورند آغاز کنند و جلساتی با آقایان پورجوادی و آذرننگ و شهیدی تشکیل می‌شود. نهایتاً در سال ۷۰ - تا آنجایی که من خاطرمد است - اولین جلساتی که منجر به شکل‌گیری اصفای کنونی شد با حضور اساتید محترم: سرکار خانم دکتر حریری و جناب آقای دکتر حرری و آقای علی‌محمدی و آقای ناصری و جناب آقای دکتر اسدالله آزاد و جناب آقای دکتر مرادی که در جلسات اول شرکت داشتند و خود من هم که در خدمت دوستان بدم به اضافه کارشناسان سازمان: سرکار خانم قدیمی و سرکار خانم وتر و سرکار خانم کرباسیان، تشکیل شد. چندین جلسه به تدوین دستورالعمل‌های لازم برای شروع کار گذشت که ما از کجا و چگونه آغاز کنیم و مراحل ورود یک توصیف‌گر یا یک اصطلاح به مجموعه اصطلاحنامه چگونه باشد و آن دستورالعمل‌ها ملاط کار قرار گرفت. شبیه کار از اول تا کنون تقریباً با مختصر اصلاحاتی که انجام شده به این شکل بوده است که با استفاده از پشتوانه انتشاراتی، کار آغاز می‌شد. از گذشته تا امروز چیزی بیش از دویست و بیست هزار مقاله فهرست شده است. در آن زمان، مجموعه‌ای که حدوداً صد هزار مقاله بود، نمایه‌سازی شده بود و مدخل‌های آن به عنوان پشتوانه انتشاراتی با استفاده از سرعنوان‌های موضوعی مبنا قرار گرفت. اصطلاحنامه‌های تخصصی، رجوع به منابع ویژه که در هر علمی

خسروی:

اصطلاحنامه موجودی زنده است و هر لحظه باید تکامل پیدا کند تا بتواند پاسخ‌گو باشد. اصطلاحنامه اصفا هم که برای نمایه‌سازی از روی مجموعه نمایه‌های ایجاد شده در کتابخانه ملی مدارک انقلاب اسلامی قبلی پدیدآمده است، از این امر مستثنی نیست



می‌شد و مجدداً برای تصمیم‌نهایی خدمت آن‌ها فرستاده می‌شد و نهایتاً اگر جایی به مشکل بر می‌خوردیم تصمیم‌گیرنده همان جلسه‌ای بود که عرض کردم و کار به انجام می‌رسید. در تدوین اصطلاحنامه، چهار گروه همیشه درگیر هستند، یکی پدیدآورندگان هستند که یک مقاله یا یک اثر را پدید می‌آورند، یک گروه مصرف‌کنندگان و مخاطبان نهایی هستند که قرار است این پیام و این اثر به آن‌ها برسد و دیگری دوستانی که مشغول تدوین نمایه هستند که معمولاً باید از این اصطلاحنامه برای پدیده‌های لازم استفاده کنند و گروه چهارم هم متخصصان موضوعی هستند که باید به نوعی در پدیدآوردن این توصیف‌گرها و ورود هر توصیف‌گر به مجموعه، کار ما را تأیید کنند. خیلی اوقات تضاد و عدم هماهنگی بین این چهار گروه پیش می‌آید. یعنی چون هر کدام خواستگاه و انگیزه ویژه‌ای دارند، بعضاً هم از نظر خاص خود پایین نمی‌آیند؛ به شدت تعصب می‌ورزند که این گونه باید باشد، به خصوص در حوزه‌های تخصصی، گاهی دو متخصص موضوعی روی یک واژگان خاص چنان اصراری داشتند که گویا اگر ما یکی را بپذیریم و دیگری را نپذیریم و آن را ناموجه بدانیم، مثلاً موجب کفر شده‌ایم. در این مسائل، تصمیم‌گیرنده بیشتر هیأت علمی بود که با توجه به مناط‌هایی که بیشتر آخرین حلقه این مجموعه که استفاده‌کننده نهایی است و باید مورد استفاده او قرار می‌گرفت، مورد توجه بود. تا کنون هم اساس بر این بوده است که ما آن چه که قرار است وارد مجموعه کنیم، باید این سیری که عرض کردم را طی کند. در وضعیت فعلی هم به طور هفتگی اصطلاحاتی تولید می‌شود که در اصطلاحنامه وجود ندارد و طبیعی است که وجود نداشته باشد. اصطلاحنامه موجودی زنده است و هر لحظه باید تکامل پیدا کند تا بتواند پاسخ‌گو باشد. اصطلاحنامه اصفا هم که برای نمایه‌سازی از روی مجموعه نمایه‌های ایجاد شده در کتابخانه ملی فعلی و سازمان مدارک انقلاب اسلامی قبلی پدیدآمده است، از این امر مستثنی نیست. به طور هفتگی دوستان لطف می‌کنند و اصطلاحات جدیدی را پیشنهاد می‌کنند و علی‌القاعده این اصطلاحات باید در جلسه‌ای بررسی شود و وارد مجموعه اصفا شود. من در بحث‌های بعدی بقیه عرایضم را خواهم گفت.

* **خانم بنی‌اقبال:** با تشکر از آقای دکتر خسروی، در زمینه پیشینه اصطلاحنامه‌نگاری در ایران من نظرات خودم را دادم قبلاً خدمتتان عرض کردم که من اعتقاد دارم که تا به حال اصطلاحنامه‌ای به معنای واقعی نداشتیم. حالا خانم کازرانی آمادگی دارند که تاریخچه کوتاهی را برای ما بگویند.

* **خانم کازرانی:** در ایران نخستین اصطلاحنامه ترجمه شده به فارسی در سال ۱۳۵۷ به نام اصطلاحنامه توسعه فرهنگی توسط ژان‌ویت و با ترجمه آقای ناصر پاکدامن توسط مرکز فرهنگی آسیا منتشر شد. در سال ۱۳۷۲ سرعنوان‌های موضوعی پزشکی فارسی توسط سرکار خانم فاطمه رهادوست و همکاران تهیه شد که با توجه

می‌تواند وجود داشته باشد، نمایه‌هایی که در انتهای کتاب‌ها هست و رده‌بندی‌های موضوعی کتابداری، دستمایه اصلی برای تدوین شکل اولیه هر حوزه بود. پس از تصویب مقدماتی جمع نام برده و بعد از حک و اصلاحی که در آن جلسه می‌شد، واژگان برای متخصصین موضوعی فرستاده می‌شد. اسامی متخصصان موضوعی در دسترس است که در هر حوزه از کدام بزرگواران استفاده شده است. این‌جا به علت ضیق وقت از نام بردن آنها خودداری می‌کنم. آن‌ها نظرات خود را بیان می‌کردند که بعضاً این نظرات می‌توانست متضاد هم باشد، چون که خیلی از آن دوستان دید کاملاً روشنی نسبت به مفهوم تزاروس در این زمینه که هم اکنون مورد بحث است، نداشتند. آن‌ها نظر تخصصی خودشان را به لحاظ کاربرد واژگانی و صحت کاربرد و تداول کاربردی که در حوزه آنها مطرح است، بیان می‌کردند. نظرات آنان مجدداً در جلسه مطرح می‌شد و بعضی از زمینه‌هایی که به لحاظ رعایت اصول اصطلاحنامه‌نویسی و استانداردهایی که وجود دارد، لازم بود، انجام

به این که این منبع با "Mesh" هماهنگی دارد، حالت دوگانه‌ای بین اصطلاحنامه و سرعنوان را پیدا می‌کند. اولین اصطلاحنامه، همان طور که خانم بنی اقبال فرمودند با داشتن همه ملزومات اصطلاحنامه‌ای، در سال ۱۳۷۳ توسط سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر شد و بعد از آن تا به حال چندین اصطلاحنامه با عناوین: اصطلاحنامه فقه، اصطلاحنامه علوم قرآنی، اصطلاحنامه فلسفه اسلامی، اصطلاحنامه پزشکی فارسی و اصطلاحنامه موضوعی امام خمینی (ره) تألیف شدند و سه اصطلاحنامه با عنوان‌های اصطلاحنامه بین المللی توسعه فرهنگی یونسکو، اصطلاحات فرهنگ و ارتباطات و اطلاعات از اصطلاحنامه یونسکو و اصطلاحنامه نما ترجمه شدند. بنا بر این تهیه، تدوین و ترجمه اصطلاحنامه در کشور ما فعالیت نوپایی است و چنانچه این ابزار بر اساس ضوابط و معیارها، تهیه، تألیف و ترجمه نشود، زبان‌های فراوانی را از لحاظ فرهنگی و اقتصادی به سیستم اطلاع‌رسانی تحمیل می‌کند. در این زمینه سازمان بین‌المللی استاندارد یا ایزو، ضوابط استانداردهای یک زبان را با عنوان استاندارد ایزو ۲۷۸۸ تهیه کرده است. این استاندارد از جمله ضوابط و معیارهای معتبر بین‌المللی است و در ارزیابی و بهبود کیفی اصطلاحنامه می‌توان از آن استفاده کرد.

پژوهشی که در سال ۱۳۷۸ با عنوان ارزیابی اصطلاحنامه‌های فارسی با استانداردهای ایزو انجام گرفت، در واقع به عنوان فتح بایی در زمینه ارزیابی و ناظر به یک رویکرد در جهت بهبود و افزایش کیفی اصطلاحنامه‌ها بود. در این پژوهش، چهار اصطلاحنامه جامع فارسی که در زمینه موضوعی خودشان جامع بودند که شامل اصطلاحنامه فرهنگی فارسی (اصفا)، اصطلاحنامه پزشکی فارسی، اصطلاحنامه موضوعی امام خمینی (ره) و نما بود، از سه دیدگاه مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. این سه دیدگاه شامل روابط معنایی، ساختارشناسی و نحوه ارائه اصطلاحنامه بود؛ در واقع همان معیارها و ضوابطی را که استاندارد ایزو ۲۷۸۸ برای ارزیابی اصطلاحنامه‌ها تعریف کرده بود. با توجه به این معیارها در هر قسمت هر کدام بررسی می‌شد که موارد متعددی را شامل می‌شد. در مورد اصطلاحنامه اصفا ما با یکی از بالاترین سطوح استاندارد در هر سه قسمت برخوردیم. گرچه فرضیه قبلی، این بود که با توجه به این که اولین اصطلاحنامه است قاعدتاً انتظار یک سری کمبودها را داشته باشیم. در انتهای تحقیق مشخص شد که از لحاظ میزان رعایت استاندارد و روابط معنایی ۹۸/۸٪ درستی را داشت. از لحاظ میزان رعایت ساختار شناسی ۹۷/۶٪ و از لحاظ میزان رعایت استاندارد نحوه ارائه اصطلاحنامه به جهت ساختار فیزیکی ۷۶٪ بوده است. البته این داده‌ها بیشتر موقعی نمود پیدا می‌کند که با اصطلاحنامه‌هایی که از لحاظ جهانی پذیرفته شده بودند یعنی ترجمه‌شده‌های اصطلاحنامه‌های معتبر مورد مقایسه قرار گیرد. با توجه به این که اصفا توسط متخصصان ایرانی تهیه شده از نظر رعایت استاندارد در سطح بالایی است، خود این فرآیند از هر جهتی قابل تقدیر و تشکر است.

* خانم بنی اقبال: با تشکر از خانم کارزانی که واقعاً اطلاعات جالبی در خصوص درصدهای کسب شده توسط اصفا ارائه کردند. در این ارزیابی این واقعیتی است که وقتی ما اصطلاحنامه می‌گوییم، منظورم اصطلاحنامه تدوین خود ماست. چون وقتی ما اصطلاحنامه پزشکی داریم، در واقع اصول اصطلاحنامه‌ای "Mesh" است ترجمه شده، منظور این نیست که ترجمه آن کاری آسان است. اصطلاحاتی که در پشتوانه پزشکی بوده و در "Mesh" هم تنظیم شده بوده در آن جا آمده است. این در حقیقت قالب اصلی‌اش از "Mesh" گرفته شده، ارتباط‌های اعم و اخص و گروه‌بندی که مشکل خیلی دست و پاگیری در تدوین اصطلاحنامه است در آن جا از قبل تعیین شده بود.

* خانم رها دوست: من با به کار بردن کلمه ترجمه موافق نیستم، از آن گذشته در "Mesh" اصطلاحات به آن صورت کامل، اعم و اخص منعکس نشده است.

* خانم بنی اقبال: منظور من در رده‌بندی درختی است.

تهیه،
تدوین و

ترجمه اصطلاحنامه

در کشور ما فعالیت نوپایی

است و چنانچه این ابزار بر اساس

ضوابط و معیارها، تهیه، تألیف و ترجمه نشود،

زبان‌های فراوانی را از لحاظ فرهنگی

و اقتصادی به سیستم

اطلاع‌رسانی تحمیل

می‌کند

* خانم رها دوست: در رده‌بندی هم تغییراتی

پیدا کرد. یعنی دقیقاً چیزی که

برگردان "Mesh" باشد به آن مفهوم

وجود ندارد. البته ویرایش یک ممکن است

به این حالت باشد ولی در واقع اصطلاحنامه

نسل آموزش‌های پزشکی از نظر ارجاعات، کاملاً

اصطلاحنامه‌ای متفاوت با "Mesh" است.

* خانم بنی اقبال: غرض من بیشتر آن بود که به هر حال

الگویی در دست است. فقط منظور من قالب اولیه بود. اما مسئله

دیگری که حائز اهمیت است مسئله طرح یک اصطلاحنامه است. من

الآن این جا یک مقاله از مقالات و گزارشات ایفلا را دارم که کتابخانه

ملی برای ترجمه فراهم فرستاده است. این طرح دو فاز است: یکی

های لول تزاروس (High Level Thesaurus) که همین جا

تمامی صاحب نظران می‌توانند اظهار نظر کنند که اسمش را

فرا تزاروس یا فراواژگان بگذاریم. های لول تزاروسی که در انگلیس

تهیه می‌شود، دو فاز را در این جا گزارش کرده است. فاز اول آن یک

سال بوده که دقیقاً گزارش می‌کند که چگونه تأمین مالی شده و به چه

طریقی انجام گرفته است و این به ما نشان می‌دهد که طرح تزاروس

یک طرح ساده‌ای که بتواند به سادگی در چند هفته، چند ماه یا حتی

چند سال انجام بگیرد نیست و کار بسیار دقیقی است و کار بسیار

عاشقانه‌ای باید انجام شود و کاری نیست که بتوان به صورت آماری به

آن پرداخت. واقعا تمام کسانی که این کارها را انجام می‌دهند خسته

نباشند. چون کاری است که اجر آن با خداست و من می‌دانم که هر

یک از عزیزان مثل خانم رها دوست که فارسی پزشکی را تهیه کردند،

زحمات بسیاری را متحمل شدند تا اصطلاحات برگردانده شده است.

اصطلاحاتی که در لاتین داریم و مراجعه کننده پزشکی می‌خواهد آن

را داشته باشد. بعداً در دو زبانه بودن بحث بیشتری خواهیم کرد.

آن‌ها ساختار حقیقی‌ای باشد. وقتی "هنجار" به عنوان یک واژه اعم و در کنار آن "سنت" به عنوان واژه اخص مطرح می‌شود و هیچ کدام از فرهنگ‌های فارسی و روانشناسی این اخص بودن را نشان نمی‌دهد و آن‌ها را مترادف نشان می‌دهد، آیا می‌توان آن‌ها را به صورت اعم و اخص به کار برد؟ فکر می‌کنم این‌ها مسائلی است که در یک جمله آقای دکتر خسروی انعکاس داشت که فرمودند: گاهی اوقات دو صاحب نظر آن چنان تعصب به خرج می‌دادند که گویی - استغفر الله - آیه قرآن است. این واقعیتی است که باید مشخص شود و من می‌دانم که همه با خود می‌گویند که با کدام فرهنگ‌های فارسی که دامنه و گستره لغت را مشخص و معین کرده است؟ ولی به هر حال تلاشی است که دست‌اندرکاران یک اصطلاحنامه باید انجام دهند و باید متخصصان موضوعی بیشتر و صاحب‌نظرتی را هماهنگ کنند که اتفاق نظر به وجود آید تا غیر متخصصی مثل من، این سؤال برایش پیش نیاید که آیا واقعاً هنجار و سنت، نسبت به هم اعم و اخص هستند یا مترادف و هم ارزند.

* خانم رها دوست: من در ویرایش اول اصفاء و هم در ویرایش دوم آن و هم در اصفای سه زبانه جزو کسانی هستم که خودم نقش دارم، اما نقطه نظرهایی دارم که اگر لازم باشد در آخر خواهیم گفت. در واقع نقدی که دارم صرفاً از جهاتی نیست که ممکن است یک برنامه‌نویس نرم‌افزار کامپیوتر به آن توجه می‌کند. من از ابتدای کار، اگرچه در تشکیلات حضور نداشتم ولی در جریان مشکلات و موانع بوده‌ام. به هر حال واقف هستم که بار مشکلات به تنهایی بر دوش آقای دکتر خسروی بوده است و در طول این زمان هم ادامه داشته است و با وجود همکاران خوبی که صمیمانه همکاری می‌کردند، فشار کار بسیاری را از بیرون شاهد بودم. در مجموع، من نگاهی را از خارج گروه و نه از داخل دارم. در این جا آقای مهندس باقری می‌توانند نقطه نظرهایی را از جهت جزئیات کار بیان کنند یا مشکلات اجرایی و عملی را آقای دکتر خسروی و همکاران‌شان بهتر می‌دانند. به هر حال ما در اینجا گرد هم نیامدیم تا مشکلاتی را که داریم توجیه کنیم؛ چه بسا اگر قرار باشد از هر یک از ما نقدی صورت بگیرد، برای هر انتقادی، حتماً پاسخی وجود دارد. چون همه می‌دانیم واقعاً در مملکت ما در ابتدای کار اگر اشخاص شروع به کار نکنند هیچ اتفاقی نخواهد افتاد؛ باید واقعاً فداکاری کرد و خیلی مسائل را به جان خرید و بسیاری از مشکلات را تحمل نمود تا کاری انجام شود. ولی مسئله‌ای را که من راجع به اصفاء می‌خواهم بگویم به عنوان یک اصطلاحنامه‌ای که به هر حال خود من جزو یکی از ویراستاران آن و علاقه‌مند به پیشرفت آن بودم، این به اصطلاح نگاهی از بیرون است؛ من فکر می‌کنم که زمان آن رسیده باشد که کسانی که دست‌اندرکار اصفاء هستند هم با همین فاصله به آن نگاه کنند و مسائل اصطلاحنامه‌نویسی را نه فقط در چارچوب اصفاء یا اصطلاحنامه پزشکی یا فلان اصطلاحنامه ببینیم بلکه با یک دید کل‌نگری نگاهی کنیم که برای بهبود این کار در نظام اطلاع‌رسانی کشور، چه امکاناتی داریم. من اتفاقاً در صحبت تلفنی که با آقای فتحی، معاون سردبیر کتاب ماه کلیات، داشتم، ایشان اشاره کردند که

* خانم قدیمی: با تشکر از تمامی دست‌اندرکاران که پس از چند سال به این اصطلاحنامه توجه کردند. من منتظر بودم که این توجه در ویرایش اول یا خیلی زودتر انجام می‌شد. همین طور که خانم بنی‌اقبال فرمودند "عاشقانه" واقعا همین طور بود. با تمام گرفتاری‌ها و سختی کار، فقط علاقه و عشق به کار بود که ما به این مرحله رسیدیم. همان طور که آقای خسروی فرمودند ما از سال ۶۹ این کار را شروع کردیم و تا سال ۷۴ ویرایش اول آن طول کشید که حدود پنج سال بود. البته اگر کار نمایه‌سازی و گنجینه‌واژگان ما از قبل نبود، مطمئناً بیشتر از پنج سال طول می‌کشید. بعد از این پنج سال که ما ویرایش اول را تدوین کردیم، نظرسنجی کردیم و پیش اساتید فرستادیم و نظرخواهی کردیم تا برای ویرایش دوم، اشکالات ما رفع شود. مطمئناً بودیم خیلی کمبود و کاستی و نقصان در کار ما وجود دارد، چون کار اول بود. متأسفانه نسبت به تقاضایی که ما داشتیم جواب تقاضای ما آن چنان نبود. ما خیلی انتظار داشتیم که در جواب نامه‌های ما نقصان و خوبی و بدی کار را نشان می‌دادند ولی نه تنها دست‌اندرکاران، بلکه کتابخانه‌ها و مراکزی که از آن استفاده می‌کردند به تقاضای ما جواب ندادند. با این وجود ادامه دادیم تا سال ۸۰ که ویرایش دوم را هم به چاپ رساندیم.

* آقای خسروی: نکته‌ای که من می‌توانم اضافه کنم این است که

فاطمه رها دوست:

ما باید نگاه‌هایمان را عوض کنیم و اصطلاحنامه را بیشتر به عنوان یک سیستم تلقی کنیم تا به عنوان ابزار؛ این به این معنی نیست که اصطلاحنامه یک ابزار نیست بلکه یک ابزار است، اما اگر به جنبه سیستم بودن آن بیشتر اهمیت دهیم قضا یا خیلی فرق می‌کند و تصمیم‌گیری‌ها متفاوت خواهد بود



طبیعتاً در مسیر کارهای دولتی، تاخیرها و مشکلات بودجه‌ای و نیروهای انسانی همیشه مطرح است. منتها با خویشتن‌داری دوستان و کمک‌ها و "عاشقانه" کار کردنی که سرکار خانم به کار بردند، باعث شد که مقداری سریع‌تر پیش روییم. خوشبختانه ما توانستیم با استفاده از بودجه‌ای که سازمان پژوهش‌ها در اختیار گذاشت، طرح سه زبانه شدن و گسترش این اصطلاحنامه را از تصویب بگذرانیم و از چهار سال پیش تا حال فرایند سه زبانه شدن این اصطلاحنامه و گسترش آن آغاز شده است.

* خانم بنی‌اقبال: مسئله دیگری که در اصطلاحنامه خیلی حساس است و خیلی ما را یاری می‌کند هم به مراجعه‌کننده و هم به کسی که مشغول نمایه‌سازی است، مسئله الگوهای رده‌بندی موضوعی است. بسیار مهم است که موضوعاتی که به یکدیگر مرتبط شدند، حد و حدود آن‌ها تعیین شده باشد و از نظر صاحب‌نظران موضوعی، ساختار درختی



مطالب خود را بنویسید، ما چاپ خواهیم کرد و اتفاقاً همین انگیزه‌ای شد که من مقاله‌ای دو صفحه‌ای با عنوان "مسائل اصطلاحنامه‌نویسی در ایران" نوشتم. هفت مورد را در آن بر شمردم که البته یک مقاله نظری نیست بلکه چکیده به تصوری که در کشور ما هم در شاخه‌های مختلف مانند کشاورزی، مباحثی است که من از سال ۶۵ به آن مبتلا بودم. به تصور من کسانی که در اصطلاحنامه تجربه دارند و تعداد آنها در کشور ما زیاد نیست به اصطلاحنامه تنها به عنوان یک ابزار نگاه می‌کنند. این صحیح است که اصطلاحنامه ابزار نمایه‌سازی است ولی مادامی که ما تنها نگاه ابزاری به آن داشته باشیم، اصطلاحنامه در همین سطح باقی می‌ماند؛ یعنی حتی اصفی سه زبانه و چهار زبانه هم به وجود می‌آید و اصطلاحنامه‌های پزشکی سه زبانه هم به وجود بیاید، تحول چشمگیری نخواهد بود. ما باید نگاه‌هایمان را عوض کنیم و اصطلاحنامه را بیشتر به عنوان یک سیستم تلقی کنیم تا به عنوان ابزار؛ این به این معنی نیست که اصطلاحنامه یک ابزار نیست بلکه یک ابزار است، اما اگر به جنبه سیستم بودن آن بیشتر اهمیت دهیم قضایا خیلی فرق می‌کند و تصمیم‌گیری‌ها متفاوت خواهد بود. در تمام دنیا اصطلاحنامه‌ها معمولاً - همان‌طور که آقای خسروی اشاره کردند - باید زنده و پویا باشد، اصطلاحنامه‌ای که قابل تجدید نظر نباشد به کار نمی‌آید. اگر قرار باشد تجدید نظر در اصطلاحنامه به عنوان یک امر حتمی و خیلی مهم تلقی شود، قاعدتاً با مشکلاتی که می‌دانیم در مملکت ما وجود دارد، افراد در تهیه آنها ممکن است دچار مشکلاتی شوند. به هر حال در ایران افراد زیادی که متخصص باشند نداریم و هر کدام از آن‌ها اگر دچار نوساناتی شوند سرنوشت همه چیز، بستگی به عوامل و متغیرهایی پیدا می‌کند، که اصلاً قابل پیش‌بینی نیست. ما باید در این جهت حرکت کنیم که اصطلاحنامه‌ها موقوف به وجود افراد نباشند. قرار نیست اصطلاحنامه پزشکی فارسی موقوف به

وجود رها دوست باشد که اگر رها دوست نباشد این کار متوقف شود، این یک بعد قضیه است و حالا می‌خواهیم تجربه دیگران در این مورد را بدانیم. من در سال ۱۳۵۶ در کتابخانه ملی پزشکی آمریکا بودم، البته آن کتابخانه ملی، کتابخانه ملی تخصصی بود؛ اگر کشور ما هم در شاخه‌های مختلف مانند کشاورزی، پزشکی و رشته‌های مختلف کتابخانه‌های ملی متعددی داشته باشد، اصطلاحنامه در ریشه ایجاد می‌شود و حالت نهادی پیدا می‌کند. کسانی که توانایی دارند، به جای این که در یک اصطلاحنامه خاص و برای دو یا چند زبانه کردن یک اصطلاحنامه تلاش کنند، باید سنگ بناهایی را بگذارند که فقط از دست آن‌ها بر می‌آید، یعنی کاری کنند که همیشگی باشد تا وقتی افراد در هر شرایطی دچار مشکلات و نوساناتی شدند کار متوقف نشود. در سال ۱۳۵۶ تشکیلاتی به صورت منظم و مرتب، طرح "Mesh" را در تاریخ معین و با بهترین کیفیت، تجدید نظر می‌کرد. چون تشکیلات مشخص است، متخصصان کار خود را انجام می‌دهند و همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت. الآن "Mesh" یکی از تزاروس‌های موفق در دنیا است. یکی از دلایل آن به خاطر نهادی بودن ترمیم و تکمیل آن است. برای اصفازحمت زیادی کشیده شده و نیروی انسانی زیادی به کار گرفته شده است. ولی به عقیده من باید بخشی از این نیرو را صرف پایه‌گذاری در کتابخانه ملی کنند. البته منظور این نیست که سه زبانه آن را تهیه نکنند. کتابخانه ملی - در این جا ملی واقعاً معنی‌دار است - حق دارد که به عنوان مشرف به اطلاع‌رسانی کشور، طراح و هدایت‌کننده و برنامه‌ریز باشد. انتظار من این است که برای تهیه اصطلاحنامه نباید مدت‌های طولانی در انتظار باشیم تا شرایطی پیش آید که رؤسا توجهی به پژوهش داشته باشند و اگر این افراد نباشند همه چیز خوابیده باشد؛ همه طرح‌ها مقطعی و موردی است، انرژی‌ها هدر می‌رود و انگیزه‌ها

و دعوت‌نامه فرستادند، من کمی جا خوردم، چون ما مشکلی با این مجموعه خوب نداریم، چرا باید دور هم بنشینیم! ما عادت کردیم که هر وقت دور هم می‌نشینیم، اول قسمت خالی لیوان را نگاه می‌کنیم مبدا عقب بمانیم! ولی بعد از آن، ذهنم بارور شد و فکر کردم که احتمالاً این اثر با تمام زحمتهایی که برایش کشیده شده خوب شناسانده نشده است و یا خوب آن را نشناخته‌اند. این دو وجه دارد، یکی دست اندرکاران آن را به ما معرفی کنند و یا ما استفاده‌کنندگان و کاربران بتوانیم از آن خوب استفاده کنیم، از این دو حال خارج نیست. به همین دلیل آن ذهنیت برای من ایجاد شد. خیلی عالی است که همه با هم بتوانیم در کار جمعی علمی تلاشی داشته باشیم و بتوانیم آن را برای دیگرانی که آن را نمی‌شناسند به روشی صحیح و اصولی معرفی کنیم. سرکار خانم رها دوست، نمکی بر روی زخم دل آقای حافظیان و من پاشیدند و صحبت از واحدهای تخصصی، کتابخانه ملی کشاورزی کردند. هیئات هر وقت کسی عاشق بود و زیست و کاری کرد، وقتی که رفت انگار که به اعماق تاریخ پیوسته است و فقط باستان‌شناسان باید نبش قبر کنند و حدس بزنند که این کدامیک از اعضای بدن اوست. مقدمه اصفا را در این فرصت، به طور کامل خواندم و خیلی از خواندن چنین مقدمه‌ای لذت بردم و احساس کردم که باید من در این جا درسی را جواب دهم و امتحانی از من گرفته می‌شود که سعی کردم خودم را در آن قالب آماده کنم و با مثال‌هایی در این جلسه حاضر شوم. من از اصفا زیاد استفاده کرده‌ام ولی هیچ‌گاه برای زدن حرفی در مورد آن این آمادگی را نداشتم. اولین چیزی که به ذهنم رسید که از نقاط قوت آن آغاز کنم، دقیقاً ابزار دکومانتاسیون و اطلاع‌رسانی ممتازی است که برای اولین بار در کشورمان رخ داده است و من به عنوان یک پدیده از آن یاد می‌کنم و ما باید این پدیده را گرمی بداریم. اما جوابی خدمت سرکار خانم قدیمی هم بدهم، همیشه ما عموم و خصوص در مجامع داریم. در مورد بالنده و پویا بودن این اثر هیچ جای شکی نیست، آقای دکتر خسروی عنوانی بسیار زیبا روی آن گذاشتند. بنا بر این خدمت خانم بنی اقبال عرض می‌کنم که استفاده از متخصصان موضوعی و صاحب‌نظران همواره باید ضمیمه باشد. یعنی وجود یک تزاروس به این خوبی، نمی‌تواند باعث شود که ما متخصصان موضوعی خود را نادیده بگیریم. برای مثال شما تا پارسال هم صحبت از کتابخانه‌ها یا دانشگاه‌های مجازی را فقط در بعضی از نوشته‌های خارجی می‌خواندید، ولی الآن مرتباً برای ما جلساتی می‌گذارند که در این مورد اظهار نظر کنید، این تحول علم است. تحول علم مهم‌ترین پشتوانه برای هر نوع تزاروس و سرعنوان موضوعی و هر نوع مرجع هست. تحول علم را متخصص آن علم می‌داند یک کتابدار یا نمایه‌ساز در سایه رهبری متخصص موضوعی همراه با اصولی که به آن آگاه و پایبند است و دانشش ایجاب می‌کند، می‌تواند جلو ببرد. از دیگر نقاط قوتی که برای این مجموعه به زعم بنده هست، این است که برای نمایه‌سازی مقالات و هر گونه مشکلات و گرفتاری‌هایی که همه نمایه‌سازها و کتابدارها دچار آن هستند راه‌گشاست. مطلب دیگری که می‌خواهم به آن اضافه کنم و آن را می‌توان در مقدمه اصلاح کرد که فقط مقاله مطرح نیست ما در دنیا تخصص‌هایی داریم. برای مثال در

از بین می‌رود، نیازها پاسخ داده نمی‌شود. بهتر این است که کتابخانه ملی این نقش را به عهده گیرد و برای تهیه اصطلاحنامه‌ها در تمامی شاخه‌های موضوعی برنامه ریزی کند. ما مشکلات زیادی داریم، انجمن‌های تخصصی نداریم، متخصصین ما هر کدام سیاره‌ای جدا از هم هستند و انجمن، اشتراک، وحدت و تبادل نظر ندارند، ما به تمامی این مشکلات واقفیم ولی حداقل سنگ بناها را بگذارند که - ان شاء الله - در آینده، کتابخانه ملی، مقوله اصطلاحنامه‌نویسی را جزو وظایفش بداند.

*** خانم بنی اقبال:** با تشکر از خانم رها دوست، واقعاً مطالب ارزنده‌ای بود که خیلی به آن اندیشیده‌ام، اما فکر نمی‌کنم در تجربه‌ای که دارم چنین تمرکزهایی آن قدر کارا باشد. با توجه به این که ما به خوبی می‌دانیم - همان طور که شما اشاره فرمودید - همه کارها در ایران قائم به ذات است. آن فرد عاشق می‌رود و چه بسا در نود درصد شرایط کار اگر تعطیل نمی‌شود ولی نود درصد آن کم رنگ و بی‌فایده می‌شود.

*** خانم رها دوست:** فیفا طرحی ملی بود، فیفا به عنوان طرحی بزرگ در یک کتابخانه ملی شروع شده و در مواردی به نسبت موفق بوده است. ما نمی‌توانیم پیش‌گویی بیست سال آینده را بکنیم. اما در کتابخانه ملی اتفاقاتی افتاده و نشان داده که در سطح وسیعی قابل انجام است، پس غیر ممکن نیست.

ناهید بنی اقبال:

اگر کتابخانه ملی تدوین اصطلاحنامه پزشکی، کشاورزی، شیمی، فیزیک را نمی‌تواند به عهده بگیرد و واقعاً هم این توانایی‌ها را ندارد، اما این توانایی را دارد که با اصفا شروع کند و سیستمی برای تدوین اصطلاحنامه بوجود بیاورد و در تدوین تمامی آن‌ها در وزارتخانه‌های مختلف حداقل هماهنگ کننده باشد



*** خانم بنی اقبال:** من کاملاً با فرمایش شما موافقم که اگر کتابخانه ملی تدوین اصطلاحنامه پزشکی، کشاورزی، شیمی، فیزیک را نمی‌تواند به عهده بگیرد و واقعاً هم این توانایی‌ها را ندارد، اما این توانایی را دارد که با اصفا شروع کند و به فرمایش شما سیستمی برای تدوین اصطلاحنامه بوجود بیاورد و در تدوین تمامی آن‌ها در وزارتخانه‌های مختلف حداقل هماهنگ کننده باشد و تمام امکانات و تجربیاتش را جهت تدوین آن اصطلاحنامه‌ها در میان بگذارد.

*** خانم عماد:** تشکر زیادی از مجموعه دست‌اندرکار دارم، تشکر می‌کنم به خاطر این که به یک منبع مرجع، به اصطلاح ما کتاب‌داران، بها داده شده است. شاید برای اولین بار در کشور ما بود که چنین فکری به ثمر نشست. خدا قوتی به آقای دکتر خسروی و تیم همراه‌شان و کسانی که این امکان را فراهم کردند، بدهد. البته قبل از این که وارد بحث شوم لحظه‌ای را به یاد می‌آورم که جناب آقای فتحی تلفن زدند

کتابخانه ملی، موضوع کتاب چهار جلدی به نام باغبانی را "باغبانی" داده‌اند ولی همین کتاب برای کتابخانه کشاورزی، حدود بیست و هفت الی بیست و هشت موضوع جزئی گرفته است، زیرا برای دانشجوی باغبانی که در مورد سبزی‌کاری اطلاعات می‌خواهد، نمی‌توان به او گفت که از باغبانی، اطلاعات کسب کند. پس نمایه‌ها و همین طور اصطلاحنامه‌ها فقط کمکی برای مقالات نیست، برای تمام منابع کتابی و غیر کتابی اعم از چاپی و غیر چاپی، سمعی و بصری، حتی برای برنامه‌های رادیو و تلویزیونی که می‌خواهیم در پانویسی مقالات و نوشته‌هایمان به آن ارجاع دهیم، احتیاج به چنین مجموعه‌ای داریم. پس متخصص موضوعی باید باشد. اگر ما اصطلاحنامه‌ها را بسته‌بندی کنیم، آن وقت فراموش می‌شود و از آن‌ها درست استفاده نمی‌شود. من دو دوره به نمایندگی از کشورم در فائو در "تکنیکال کامنتری اگرووک" عضو بودم. ما اظهار نظر می‌کردیم و آن‌ها از سراسر دنیا، یعنی از ۱۶۰ کشور جهان، مرتباً این نظرها را می‌گرفتند. به عنوان مثال ما در کشورمان با واژه کنجاله (غذای دام) رو به رو هستیم، در کشورهای دیگر اصلاً اصطلاحی در رابطه با "کنجاله" وجود ندارد. آن‌ها می‌گویند باقیمانده محصولات زراعی یا باقیمانده چغندر، یا اگر ما بخواهیم ترجمه دقیق‌تری کنیم، می‌توان گفت تفاله، وقتی که من مطرح کردم که این مسئله مهم است، "کنجاله" را با همان عنوان درون "اگرووک" پذیرفتند. بنا بر این یویایی و بالندگی نیاز به متخصص دارد. حال به سراغ قسمت‌های بعدی می‌روم که اگر این را عرض می‌کنم به عنوان نقاط ضعف نیست، زیرا به خوبی می‌دانم که یک کلمه و یک قدمی که برای ایجاد و تولد این مجموعه برداشته شده خداوند رب العالمین اجر ده برابری را خواهد داد چون در قرآن می‌فرمایند که من یک حسنه را با ده برابر آن پاسخ می‌دهم. ما از تزاروس‌ها و اصطلاحنامه‌ها استفاده دیگری به غیر از مسئله کتابخانه و کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی می‌کنیم و آن، این است که قلمرو پژوهش را از آن در می‌آوریم. چون روابط سلسله مراتبی و هم معنایی واژه‌ها موجب می‌شود که پژوهش‌گر و کسی که می‌خواهد رساله‌اش را بنویسد و یا کسی که می‌خواهد کار تحقیقی انجام دهد حوزه‌اش را با کمک آن تعیین می‌کند. در اصفا در بعضی موارد کاهش‌ها و کاستی‌هایی هست که آن مطمئناً در فرآیند اصلاح و تکمیل خواهد بود. مهم‌ترین نکته آن که اصطلاحنامه فرهنگی نامیده شده است ولی در مقدمه آن هیچ تعریفی از فرهنگ داده نشده است. فرهنگ گستره بسیار وسیعی دارد. هر کسی فرهنگ را به زعم خودش تعبیر می‌کند، یکی آن را آموزش و پرورش و دیگری آن را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کس دیگری همه مردم را فرهنگ می‌داند. "هر کسی از ظن خود شد یار من"، در یک کار علمی نباید دخالت داشته باشد. بنا بر این اگر ما تعریف فرهنگ را بتوانیم در ابتدا بیاوریم آن وقت نگرش دیگری پیدا می‌شود، این نگرش موجب می‌شود که اگر ما قسمت کشاورزی را در چند اصطلاح آورده‌ایم آیا درست است یا خیر؟ به نظر من که چهل هزار واژه

کشاورزی را جمع‌آوری کرده‌ام، می‌بینم که اشکالی در آن است. البته اشکال را من مشاهده می‌کنم دیگران دلیلی ندارد که ببینند و آن‌ها خیلی خوب می‌توانند استفاده کنند، ولی چون بعد علمی دارد و این بعد علمی قلمرو پژوهش را پشتیبانی می‌دهد، باید به این نکته‌ها توجه کرد. تمام تزاروس‌های عالم آن‌هایی که در خارج از ایران است و قدمت بسیاری دارد، معمولاً از یک پشتوانه انتشاراتی شروع شده ولی صرفاً در آن محدود نشده است. "اگرووک" بیش از صد سال پشتوانه انتشاراتی دارد. این به این معنا است که اگر ما بخواهیم رابطه سلسله‌ای و هم‌معنایی را در تزاروس و اصطلاحنامه تعریف کنیم، ملزم هستیم که فراتر را ببینیم؛ دیگر نمی‌توان گفت که دو کتاب، دو مقاله، دو سند در این قضیه در دسترس ما نبوده است و ما تا همین جا می‌رویم. این جا باید قلمرو موضوعی برای پژوهش آماده شود. در نتیجه، همه این‌ها با یک پشتوانه انتشاراتی آغاز شده ولی پس از آن به صورت منطقی گسترش یافته است. تفاوت آن با سرعنوان در همین است، سرعنوان می‌گوید که هر کتابی بیاید من روی آن کار می‌کنم ولی تزاروس می‌گوید که هر کتابی که بیاید از من استفاده خواهد کرد. مترادفات یکی از نکاتی است که مخصوصاً ما در زبان فارسی چون مشکلات زیادی به لحاظ این قضیه داریم - ان شاء الله - بیشتر استفاده شود. برای ناشناس نماندن این مجموعه با ارزشش به نظر من باید نگاهی به دانشگاه‌ها و واحدهای درسی انداخت. چرا **نسرین دخت عماد:** مرتباً سرعنوان‌های موضوعی تدریس می‌شود و **تحول علم مهم‌ترین** ابزار تمامی مدرسان دانشگاهی ما است؟ اگر ما **پشتوانه برای هر نوع تزاروس و** نمره صد را برای تدریس سرعنوان‌های **سرعنوان موضوعی و هر نوع مرجع** موضوعی بگذاریم، نمره بیست و پنج را به **است. تحول علم را متخصص آن علم می‌داند** اصفا و یا امثال آن می‌دهیم، فقط دو واحد **یک کتابدار یا نمایه‌ساز در سایه رهبری** نمایه‌سازی داریم ولی سازماندهی مواد از دوره **متخصص موضوعی همراه با اصولی** کاردانی شروع می‌شود و تا مقطع دکتری ادامه دارد، در **که به آن آگاه و پایبند است و** حالی که نمایه‌سازی از اصفا و یا هر تزاروس دیگری را فقط در **دانشش ایجاب می‌کند،** یک مقطع تدریس می‌کنند. این معرفی‌ها، کاربری‌ها و نشان دادن‌ها موجب خواهد شد من به هر کتابخانه و هر جمعی که بروم، اسم و رسمی از این مجموعه در ذهنم باقی می‌ماند و می‌توانم از این ابزار با ارزش بهره ببرم.

*** آقای مرادی:** خانم عماد به کارگیری واژه فرهنگی را در عنوان این اصطلاحنامه مورد بحث قرار دادند، به نظر من این جای تأمل زیادی دارد، فعلاً از آن می‌گذرم و بعداً اگر به آن پرداختیم بیشتر توضیح خواهیم داد. اما برای من که با اصفا اندکی کار کرده‌ام این مسئله حائز اهمیت است و به درستی در نیافتم که موضوعات اصفا بر اساس چه ملاکی رده بندی شده‌اند؟ ۱۸ سر فصل و یا بهتر است بگویم اصطلاح رأس، در اصطلاحنامه انتخاب شده که دلیل آن مشخص نیست؛ پاره‌ای از آن‌ها کاملاً قابل ادغام با بخش دیگری است مثلاً "ارتباطات" در "جامعه‌شناسی" که جای بحث دارد، "دین" در "جامعه‌شناسی" که می‌توان در آن بحث کرد. اگر محبت کرده برای من توضیح دهید.

*** خانم بنی اقبال:** اتفاقاً عنوان این بحث همین است که مبنای

رده بندی اصفا چه بوده است و آقای خسروی توضیح خواهند داد.

*** آقای خسروی:** ابتدا در مورد مساله‌ای که خانم رها دوست مطرح فرمودند و خواست ذهنی ایشان، عرض کنم: خوشبختانه در تشکیلات کتابخانه ملی، واحدی به اسم اصطلاحنامه تعریف شده است و بحث نهادینه شدن قضیه که مطرح بود برای آن کارشناس و کارشناس مسئول هم در نظر گرفته شده است که کلاً به عنوان کار نهادی به این قضیه پرداخته شود. البته امکان دارد که در پی ادغام سازمان اسناد، دچار تلاطم شویم ولی سعی می‌کنیم که حفظشان کنیم. نه تنها اصطلاحنامه بلکه سعی شده که همه مستندهایی که مطرح است در آن جا به صورت نهادی در نظر گرفته شود و بتواند مجموعه استانداردهای لازم را داشته باشد. در مورد این که چرا ما در مجموع ۱۸ مقوله را انتخاب کردیم و کلاً چرا عنوان "فرهنگی" انتخاب شده و چرا علوم انسانی و یا هر زمینه دیگری مطرح نشده است، مقداری به پیشینه اصفا برمی‌گردد. عنایت داشته باشید که تا سال ۷۰، دوستان مجموعه انتشاراتی داشتند با نام فهرست مقالات فرهنگی که در آن تقریباً سعی می‌کردند که صرفاً در حوزه‌های فرهنگ که همین مقولاتی است که این جا ما سعی کرده‌ایم بیاوریم، حرکت شود. ما دو نگاه به تزاروس می‌توانیم داشته باشیم، نگاه تزاروس خرد و نگاه تزاروس کلان. زمانی ما روانشناسی را برمی‌گزینیم و تا جایی که واژگان اجازه می‌دهد ادامه می‌دهیم. نگاه دیگر، حرکت در سطح است و حرکت کلی در حوزه‌هاست. این شیوه در اصفا انتخاب شد. چون قطعاً نمایه‌سازی که درون سازمان انجام می‌شود، نمایه‌سازی عام است، نمایه‌سازی تخصصی نیست. باید در سطح حرکت کند لذا اگر عنایت داشته باشید، ما اجازه داریم تا پنج رده جلو برویم محدود کردیم و جلوتر نمی‌رویم. حتی بعضاً در پیش‌روی دچار مشکل شدیم، واژه‌ای آمده که باید اخص از چیزی قرار می‌گرفته است و امکان دارد برای بعضی از دوستان سوالی پیش آید، مجبور شدیم برای این که واژه را از دست ندهیم، جایی دیگر آن را به نوعی وابسته یا اخص نسبت به واژه دیگر کنیم تا بتوانیم از آن واژه توصیف‌گر استفاده کنیم. سعی شده در سطح حرکت شود. چون نوع نمایه‌سازی که در سازمان مدارک انجام می‌شده و الآن در کتابخانه ملی، لزوماً تخصصی نیست بلکه عام است. حال این که چرا به اصفا به گونه سرعنوان موضوعی در دانشگاه پرداخته نمی‌شود، همان طور که خانم بنی‌اقبال هم فرمودند، به عقیده من علت دیگری دارد. هنوز مبحث نمایه‌سازی در کتابداری ما به طور جدی و آن طور که به فهرست‌نویسی پرداخته می‌شود، مطرح نشده است و متأسفانه گروه‌های کتابداری خیلی سطحی از این قضیه عبور می‌کنند و استانداردهای لازم هم هنوز تدوین نشده است و ما روی آن مسئله داریم. ظاهراً کتابخانه ملی کاری را به طور مقدماتی شروع کرده و تازه چاپ و پخش شده است. اما این که چرا ۱۸ مقوله، این دقیقاً زمینه‌ای قراردادی است و ما هیچ دفاعی از آن نداریم، آن مجموعه افرادی که من آخرینشان بودم و دوستانی که در این جا هستند، بیشترین بار تلاش را در این قضیه داشتند، احساس کردند که این ۱۸ مقوله حوزه فرهنگ را می‌پوشاند. اگر بعضی از مباحث علوم و تکنولوژی خیلی سطحی مطرح شده، علتش این بوده که بعضاً مقالاتی

در مورد فرهنگ نوشته می‌شده که مربوط به علوم خالص یا کشاورزی بوده است و دوستانمان مجبور بودند که بعضی از توصیف‌گرها را به کار برند. بعضی از حوزه‌ها را مخصوصاً برجسته کردیم، شاید کمی تعصب رشته‌ای در آن داشتیم، کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی برجسته‌تر است که این را می‌توان حمل بر آن تعصب گذاشت، البته احساس می‌کردیم باید بیشتر به آن پرداخته شود. در مورد سایر حوزه‌ها مشورت‌هایی انجام شده است ولی به صورت کلی حالت قراردادی دارد؛ می‌شد خیلی از این‌ها را در کنار هم آورد و می‌توانستیم از هم جدا کنیم و چندگانه بیاوریم که من هم با شما هم عقیده هستیم.

*** خانم بنی‌اقبال:** ضمن تشکر از تذکرات آقای دکتر خسروی؛ این مسئله حساسی است و حتماً باید در ویرایش آینده مورد تجدید نظر قرار گیرد. شما وقتی که اصطلاحنامه پزشکی را باز می‌کنید به ندرت این سوال پیش می‌آید که این با آن اصطلاح بالا چه ارتباطی دارد یا وقتی شما "Eric" را باز می‌کنید به ندرت برای شما در فهرست موضوعی آخر آن، سوال پیش می‌آید که این با آن موضوع اصلی چه ارتباطی دارد. اما بحثی که در خصوص اصفا مطرح است، کاملاً با دوستان موافقم که مشکل دارد، ولی کار مشکل دیرتر حل می‌شود اما باید حل شود. در بعضی از مواقع این واژه‌هایی که در زیر آمده است، دقیقاً پوشش آن موضوع بالا نمی‌تواند باشد و آقای دکتر خسروی! این دستاوردهایی است که ما از این جلسه می‌خواهیم در آینده ببریم و این مقوله لازمی است که باید به آن توجه شود و برای آن هزینه بیشتری پرداخته شود.

*** آقای سمیعی:** ما در اصطلاحنامه باید سیاست مشخصی داشته باشیم که اعلام و اسامی خاص ذکر شود یا نشود. من در اصفا به مواردی برخورد کردم که اسامی خاص ذکر شده بود و بعضی ذکر نشده بود، دلیل آن چیست؟ فرض کنید واژه "امام خمینی(ره)" که قطعاً در پشتوانه انتشاراتی اصفا و مقالاتی که در مقدمه به تعداد آن اشاره شده، یعنی بیش از سه میلیون مقاله‌ای که نمایه‌سازی شده است (حتماً اشتباه حروفچینی است چون ما در طول تاریخ، در کشورمان یک میلیون مقاله هم نداریم!) سوال من این است که مثلاً واژه "امام خمینی(ره)" که به عنوان یک واژه اصلی آورده شده است، اولاً هیچ اصطلاح اعم یا اخصی برای "امام خمینی(ره)" ذکر نشده در صورتی که ما اصطلاح اعم "رهبران دینی" را داشتیم و اخص "تبعید امام خمینی(ره)" و "اندیشه‌های سیاسی امام خمینی(ره)" را. اگر ما "امام خمینی(ره)" را یک واژه اصلی می‌دانیم، که دانسته‌ایم، باید این روابط مشخص شود. ثانیاً می‌خواهم بدانم که چرا این اصطلاح ذکر شده و اعلام دیگر نیامده است، فرض کنید در مورد امامان، حضرت ولی عصر امام زمان (عج) آمده و دیگر ائمه نیامده‌اند. اگر این به پشتوانه انتشاراتی برگردد و بگوییم که چون چنین مقالاتی بوده، پس آمده، قطعاً مقاله برای دیگر امامان و پیامبر اکرم (ص) هم بوده است، ولی واژه‌ای به آنان اختصاص داده نشده است. سوال من این است که آئین‌نامه‌ای که در این دو زمینه مورد عمل بوده چیست؟

* **خانم بنی اقبال:** تا جایی که من می‌دانم در منابعی مثل سرعنوان‌های موضوعی و یا اصطلاحنامه‌ها از آوردن اعلام، اعم از اعلام تاریخی و جغرافیایی، خودداری شده است، مگر در موارد الزامی در علائم جغرافیایی یا در سرعنوان‌های موضوعی به عنوان سرعنوان‌های کلیدی، بقیه را آقای دکتر خسروی می‌فرمایند.

* **آقای خسروی:** اساس در اصفا نیابردن و عدم ذکر اعلام است. حتی برای نمایه‌سازی خودمان هم یک سری اصول تدوین شده که دوستان بتوانند با مستند کردن اعلام به آن‌ها بپردازند. من به عنوان نمونه، "امام خمینی (ره)" را که حضرتعالی فرمودید در حوزه تاریخ آمده است، وقتی که ادوار تاریخی با توجه به نگاه خاصی که در حوزه تاریخ و عرفان شده و وقتی که این حوزه را بررسی می‌کردند می‌گفتند که نگاهی نوین به تاریخ است. علت آمدن نام حضرت مهدی (عج) این است که تاریخ را به قبل از غیبت و بعد از غیبت تقسیم کرده‌اند، در بیان ادوار تاریخی دوره امام خمینی (ره) هم، خود ایشان به جای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در دوره تاریخی آمده است. بحث غیبت در این جا چون به لحاظ تاریخی مطرح شده به این شیوه آمده، وگرنه اعلام دیگر نباید ذکر شود.

* **آقای سمیعی:** این موارد در مورد بقیه ائمه (ع) و به خصوص پیامبر اسلام (ص) که در بعد تاریخی مطرح شده‌اند، بیشتر صادق است. آیا پیامبر اسلام تاریخ‌ساز نبوده‌اند؟

* **خانم بنی اقبال:** توضیح آقای دکتر خسروی این بود که به عنوان یک فرد تاریخ‌ساز معرفی شده‌اند، خوب نام حضرت علی (ع) هم قاعداً باید به عنوان به وجود آورنده تاریخ شیعه می‌آمد. به هرحال اگر بنا باشد جنبه تاریخ‌سازی را در نظر بگیریم کاملاً فرمایش آقای سمیعی درست است که حداقل برای حضرت علی (ع) که با وجود ایشان، دوران امامت معنا پیدا کرده است، باید واژه‌ای اختصاص می‌یافت یا پیامبر اسلام (ص) صد در صد!

* **آقای خسروی:** درخواستی از دوستان دارم که ارزشی با اصطلاحنامه برخورد نکنند. اصلاً نگاه ما در حوزه کارهای اصطلاحنامه‌نویسی این گونه نیست. بنا بر این نباید بگوییم که مقام حضرت علی (ع) بالاتر است یا حضرت مهدی (ع) و چرا نباید یکی از آن‌ها بیاید! نه به این گونه نگاه نشده است. نمایه‌سازهای ما مجاز بودند که هر گونه اعلام هست به کار ببرند و مثلاً نام تمام ائمه و انبیا را به کار گیرند. علت آمدن بعضی از اسامی به ویژه در حوزه تاریخ، اتصال حوزه و دوره‌ای بوده که باید در آن جا می‌آمده و نظر متخصص موضوعی بوده که لازم است در آن جا به آن اشاره شود. اصلاً دوستان نگاه ارزشی به قضیه نکنند اگر "بابیت" آمده اصلاً معنایش این نیست که اگر شعبه‌ای از فلان مسلک نیامده با ارزش‌تر است، اصلاً به این

معنا نیست.

* **خانم بنی اقبال:** آقای خسروی مسئله این است که باید اصول در تدوین اصطلاحنامه مراعات شود. فرمایش آقای سمیعی بسیار متین است. اگر بنا بر این است که اصول مراعات شود، استثنا یا نباید باشد و یا اگر باشد باید در مقدمه دلیل استثنا ذکر شود تا من به فرمایش شما ارزشی نگاه نکنم و از تفکر ارزشی خلاص شوم. در غیر این صورت طبیعی است که مطرح شود که چرا امیر کبیر یا "الف" و "ب" نه؟

* **خانم رها دوست:** چه اصلی مهم‌تر از پشتوانه انتشاراتی می‌تواند در اصطلاحنامه باشد؟

* **خانم بنی اقبال:** چون بنا بر این است که اعلام در ساختار اصطلاحنامه نیاید، پشتوانه انتشاراتی دلیل بر آوردن نمی‌شود.

* **خانم رها دوست:** فکر می‌کنم در این مورد توضیحی داده شد. رده‌ای به نام رده تاریخ است که در رده‌ای که آقای فانی تهیه کرده‌اند برای اسم "رضا شاه" رده موضوعی به آن داده‌اند. چون رضا شاه معرف یک دوره تاریخی فرهنگی بوده است نه به خاطر شخص رضا شاه!

* **خانم بنی اقبال:** کاملاً فرمایش شما درست است. پس در این صورت تاریخ ایران را در پیش رو می‌گذاشتند و تمامی اعلام تاریخ، چنگیز هم باید می‌آمد و سند مربوط به چنگیز با

چنگیز، وقتی ما مستند مشاهیر داریم ما را از اعلام بی‌نیاز کرده است ولی اگر بنا بر این است که فردی

بیاید باید عمومیت پیدا کند. یعنی تمام اعلام تاریخی باید بیاید؛ تصدیق بفرمایید که در

هیچ کدام از منابع از قبیل اصطلاحنامه این روال انجام نگرفته است. ما این را برای اندیشیدن

و راهی برای آن پیدا کردن پیشنهاد می‌کنیم یا هیچ کدام و یا اگر هست چگونه! این مسئولیتی است که - ان شاء

الله - در آینده مشخص خواهد شد. مسئله بعدی که از نظر

اصطلاحنامه اهمیت زیادی دارد و من می‌خواهم در جمع به آن پرداخته

شود، مسئله ساخت واژگان اصطلاحنامه است. من قبلاً هم این بحث را با آقای دکتر خسروی کرده‌ام، فقط به واژه‌ای که به ایشان گفته‌ام

اشاره می‌کنم و امیدوار بودم که در ویرایش دوم به آن پرداخته شود که

نشده است. واژه‌هایی در کاربرد عام قرار می‌گیرد که باید تکلیفش در ساختار اصطلاحنامه مشخص شود. وقتی ما کلمه "سیاست" را داریم،

سیاست اقتصادی، سیاست اجتماعی، سیاست فرهنگی و... کاربرد کلمه "سیاست‌گذاری" حذف می‌شود. "سیاست‌گذاری" کلمه‌ای است

که در فرهنگ‌های معین، دهخدا و نظایر آن، آن را پیدا نمی‌کنیم، با

پسوند، "سیاست کردن" به معنای تنبیه کردن است ولی با گذاردن

نداریم. من می‌دانم که این از کجا ریشه می‌گیرد. این مشکل تدوین اصطلاحنامه است و از برگرداندن لغات انگلیسی به فارسی است "Policy Makers". سیاست‌گذاران را دیدند و "سیاست‌گذاری" به کار می‌برند. اما آیا واژه درستی است یا نه؟ من معتقدم که باید اصطلاحنامه به آن ببیندیشد و با کسانی که در تدوین و

واژه‌هایی در کاربرد عام قرار می‌گیرد که باید تکلیفش در ساختار اصطلاحنامه مشخص شود. وقتی ما کلمه "سیاست" را داریم، سیاست اقتصادی، سیاست اجتماعی، سیاست فرهنگی و... کاربرد کلمه "سیاست‌گذاری" حذف می‌شود. "سیاست‌گذاری" کلمه‌ای است که در فرهنگ‌های معین، دهخدا و نظایر آن، آن را پیدا نمی‌کنیم، با پسوند، "سیاست کردن" به معنای تنبیه کردن است ولی با گذاردن نداریم

تصویب لغات فارسی صاحب نظر هستند مشورت کند. به طور کلی من اعتقاد دارم واژگان اصطلاحنامه باید مورد دقت زیادی قرار گیرد و از نظر زبانی درست باشد.

*** آقای مرادی:** ابتدا فرمایش آقای دکتر خسروی را یادآوری کنم. ایشان به نکته بسیار مهمی اشاره داشتند و آن این که نباید به اصطلاحنامه ارزشی اندیشید و این کاملاً درست است. کسانی که با اصطلاحنامه سر و کار دارند در پی یافتن اصطلاحات علمی هستند که معانی خودشان را دارا هستند. ولی من که مروری بر اصفا داشتم حال یا خطایی صورت گرفته و یا امکان دارد که وجهی برای آن داشته باشند، در ذیل احزاب و گروه‌های سیاسی کشور از سازمانی یاد شده که به نظر می‌رسد صرفاً به آن ارزشی نگاه شده است و ارجاع هم صورت گرفته است. برای مثال نوشته شده به کار ببرید سازمان منافقین به جای سازمان ... این یا محملی در اصفا دارد که روشن نشده است یا این نگاهی ارزشی به این واژه است. کاری به سیاست نداریم، طبیعتاً بحث علمی است و حقانیت در جای خود! کاری به داوری سازمان‌ها و گروه‌ها نداریم!

*** خانم بنی‌اقبال:** دقیقاً از صحبت شما این نتیجه‌گیری را می‌کنم که پیشنهاد به آقای دکتر خسروی این است که اصطلاح مرجع انتخاب شود نه اصطلاح ارزشی.

*** آقای مرادی:** دقیقاً همین طور است. در یک کار علمی برای اصطلاح مرجع و غیر مرجع و تعابیری که ارائه می‌شود باید بر اساس تعاریف عمل شود. حداقل من با این گفته جناب آقای خسروی ذهنم

محمد مرادی:

انتخاب واژگان مرجع، اصطلاحات و ابسته، اصطلاحات اعم و اخص و اصطلاح رأس، کاری بسیار دشوار است و لزوماً در هر زمینه‌ای دوستان متخصص و صاحب نظری را می‌طلبد که آن‌ها هم با مطالعه کافی و اندیشه درباره واژگان باید نظر دهند.



به این نکته منعطف شد که علی‌القاعده در آن جا نگاهی ارزشی صورت گرفته باشد. شاید محملی دارد که من دقیقاً نمی‌دانم من می‌خواستم یادآوری کنم. نکته دیگر بحث این که اعلام بیاید یا خیر، که جناب سمیعی به آن اشاره کردند و بحث درستی هم بود، پس چرا فقط دو علم در این مجموعه آمده است؟ نکته دوم در ساختار واژگان این اصطلاحنامه است. در حالی که زحمت فراوانی برای آن کشیده شده و من هم سالیانی دست‌اندرکار چنین کارهایی بوده‌ام و به خوبی واقفم که انتخاب واژگان چقدر دشوار است. انتخاب واژگان مرجع، اصطلاحات و ابسته، اصطلاحات اعم و اخص و اصطلاح رأس، کاری بسیار دشوار است و لزوماً در هر زمینه‌ای دوستان متخصص و صاحب‌نظری را می‌طلبد که آن‌ها هم با مطالعه کافی و اندیشه درباره واژگان باید نظر دهند. ولی به نظر می‌رسد در این مجموعه این دقت‌ها صورت نگرفته است. در بسیاری از جاها اعم و اخص‌ها دقیق نیستند و در بسیاری از جاها هم از کلمات مرجع و هم کلمات نامرجع به عنوان اصطلاح

مرجع استفاده شده است، یعنی در جایی ارجاع شده و در جای دیگر از خود کلمه استفاده شده است. این دوگانگی به سیستم کار اصطلاحنامه‌نویسی آسیب جدی می‌زند. همین طور کاربرد کلمات متفاوت که همسان هستند ولی هر دو به عنوان مرجع انتخاب شده‌اند در حالی که به راحتی قابل ارجاع بوده‌اند. ارجاعات نادرستی صورت گرفته در حالی که بار معنایی هر کدام از واژه‌های مرجع و غیرمرجع در اصطلاحنامه اصفا متفاوت است و برای هر کدام مواردی وجود دارد و امکان دارد دست‌اندرکاران محترم برای هر کدام توضیحاتی داشته باشند. نکته پایانی این که واژه‌هایی که خیلی رایج هستند نیامده‌اند و بعید است که با این همه مقاله نمایه شده و پشتوانه انتشاراتی مجموعه، این واژگان هیچ‌گاه در آن جا نیامده باشند، در حالی که واژگان بسیار غربی که به ندرت به کار برده می‌شود آمده‌اند. برای مثال "حزب جمهوری اسلامی" و "حزب جمهوری خلق مسلمان" نیامده است و "حزب شفق" و چیزهای عجیبی که کمتر به گوش کسی خورده، آمده است و دو گانه عمل شده است.

*** خانم بنی‌اقبال:** متشکرم کاملاً فرمایش شما صحیح است. من از همین جا تذکری برای انتهای جلسه بدهم، که شاید الان آقای دکتر خسروی هم در ذهن خود داشته باشند، خواهش می‌کنم که همان طور که آقای مرادی لیستی دارند که به نظرشان رسیده است، ما هم از سر عشق، ذوق و کمک، ورقی بزنیم و در ساخت واژگانی این اصطلاحنامه اظهار نظر کنیم و لیستی بنویسیم یا حرف ما قابل قبول است و مورد توجه قرار می‌گیرد و یا ارزشی ندارد و به آن توجهی نخواهد شد.

*** آقای سمیعی:** در رابطه با الگوی کار ویرایشی که گزیده شده است - البته من در این زمینه تخصصی ندارم - ناهماهنگی‌هایی دیدم و دوست دارم بدانم که از چه شیوه‌ای استفاده شده است. برای مثال همزه آخر کلمات عربی، که در فارسی به کار می‌رود مانند استسقاء و یا استقراء، برای آن سه حالت در شیوه‌های مختلف گفته شده است، بعضی‌ها همزه را می‌آورند، گاهی آن را به "ی" یا "و" تبدیل می‌کنند ولی معمولاً می‌گویند که همزه باید بیفتد. من هر سه نوع را در واژگان اصفا دیده‌ام. "استسقای"، "استیلائی" و "استقرائی" این‌ها سه واژه هستند. ولی "استهزاء" با همزه آمده، "استیفا" و "اسرا" بدون همزه آمده است. من این مثال را زدم تا بدانم کلاً الگویی که در نظر تدوین‌کنندگان در ویرایش فارسی بوده کدام است؟

*** خانم بنی‌اقبال:** من اعتقاد دارم که در تدوین مرجعی مثل این اصطلاحنامه، دستور العمل نگارش آن باید از قبل مشخص شده باشد و آن چنان یک نواخت باشد که هر جا کسی که مسئول ورود اطلاعات است، اشتباه کند، با کمک نرم افزار، خود به خود، غلط اوپراتور تصحیح شود تا چنین مشکل و چندگانگی به وجود نیاید.

*** آقای خسروی:** من از ایرادات و اشکالاتی که دوستان عنوان می‌کنند، تشکر می‌کنم. قبل از جلسه با دوستانی که بیشتر از من دست‌اندرکار هستند، بحث این شد که اگر بخواهیم خودمان اشکالات و ایرادات را بیان کنیم، لیست مفصلی را در اختیار داریم که بتوانیم در تمام زمینه‌ها مطرح کنیم. ما افزودن بر آن لیست و گرفتن اشکالات را مبارک می‌دانیم و سعی می‌کنیم که در ویرایش‌های بعدی آن‌ها را

اصلاح کنیم. منتهی چند تذکر دارم: نباید قضایا در اصطلاحنامه‌ها، ارزشی دیده شود ولی واقع قضیه این چنین نیست که اصفا هم ارزشی ندیده باشد. یکی از مباحثاتی که ما در جلسات داشتیم، بر سر همین اصل بود. بعضاً دو گروه می‌شدیم، یک گروه به شدت ارزشی می‌دید و گروه دیگر ارزشی نمی‌دید. بعضاً رأی گروه اول تفوق پیدا می‌کرد و مجبور بودیم که بپذیریم. لذا هیچ ابایی نداریم که اصل این است که ارزشی دیده نشود ولی واقعاً در بعضی جاها ارزشی دیده شده است. ان‌شاءالله، درست خواهد شد. البته ما قائل به تصمیم‌گیری شورایی هستیم و نظر کسانی را که قرار است رأی بدهند، باید مورد توجه قرار دهیم. نکته دوم در مورد بعضی اصطلاحات، مانند مثالی که سرکار خانم بنی‌اقبال زدند، یعنی "سیاست‌گذاری" و یا مثال‌های دیگر، به طور کلی در کاربردهای اصطلاحنامه‌ای، تنها همان چهار گروه مدنظرمان بوده است. وقت به کار گرفتن، ما وضع‌کننده اصطلاح نیستیم! ما به کار گیرنده اصطلاح هستیم، حتی شاید مجبور باشیم یک غلط مصطلح را که تداول پیدا کرده است و معمولاً به کار گرفته می‌شود، به کار بریم. آن موردی هم که حضرتعالی اشاره فرمودید، من به جلسه ارائه دادم، آن‌ها دیدگاه دیگری داشتند، به خصوص متخصصان، اعتقاد دارند که به شدت باید کاربرد بعضی از قضایا روشن باشد و حوزه‌بندی شود. ولی بعضی دوستان که شاید سهواً اعلام می‌فرمایند که در بسیاری جاها مرجح و نامرجح تداخل دارند، این را باور ندارم. بعضاً این اتفاق افتاده است و خود ما لیستی از آن داریم و مشغول اصلاح آن هستیم ولی این که بسیاری از جاها و بسیاری از موارد، به کار گرفته شود این را کمی غیر منصفانه می‌دانم. ایراد و اشکال زیادی دارد، آن را می‌دانیم و مشغول اصلاح هستیم وسی می‌کنیم در ویرایش‌های بعدی اصلاح شود. منتهی هیچ‌گاه این مجموعه‌ها، مجموعه‌های کاملی نخواهند بود و دائماً باید در حال اصلاح خودشان باشند. ما سعی کردیم از رسم الخط نشر دانشگاهی پیروی کنیم اما مشکلاتی داریم که دوست دارم دوستان هم در جریان باشند. ما از نرم‌افزاری استفاده می‌کنیم که تحت "DOS" است و باید با برنامه واسطی تبدیل به زرنگار شود. در جریان تبدیل به زرنگار، ما اختلال‌های زیادی داریم که بعضاً به طور چشمی باید اصلاح شود. یعنی اصل واژه در موضع خود درست به کار گرفته شده است ولی موقع انتقال، دچار مشکل می‌شود. این مشکلات چاپی، در موقع انتقال به زرنگار است و حرف شما کاملاً درست است.

*** خانم وتر:** در مورد همزه‌ای که فرمودید چون پیشنهاد خودم بود، خاطر هست. همزه‌ها را پیشنهاد کردم که در جاهایی که مضاف و مضاف‌الیه داریم، مثل "اشیاء عتیقه" تبدیل به "ی" کنیم و در همه جا یک دست این کار را کردیم. ولی برنامه نرم‌افزاری اشکالی داشته که تمامی همزه‌ها را برای مثال همزه "استقرار" را هم تبدیل به "ی" کرده است. این اشکال برنامه‌ای بوده که باید در ویرایش برطرف شود.

*** خانم بنی‌اقبال:** البته شایسته بود که در مقدمه اصطلاحنامه بیاید که تصمیم بر این بوده است که تمام همزه‌های حالت مضاف، به این صورت نوشته شود و بقیه به صورت دیگر.

*** آقای باقری:** خانم وتر گفتند که همزه‌ها به "ی" تبدیل شده است. اما اگر می‌خواست همزه‌ها به "ی" تبدیل شود، در کل این کتاب باید این موضوع را می‌دیدیم ولی گاهی واژه‌ها در کتاب با همزه ظاهر شده و در جای دیگر با "ی" ظاهر شده است. اگر نرم‌افزار می‌خواست این را تبدیل کند در هر دو جا باید همزه تبدیل به "ی" می‌شد. نمونه آن در صفحه ۷۱ است انجمن اولیا و مربیان در این جا اولیا با "ی" آمده در قسمت رده‌بندی با همزه آمده در صورتی که این‌ها یک بار وارد کامپیوتر شده است.

*** خانم بنی‌اقبال:** جناب آقای باقری، من نمی‌دانم که طراح نرم‌افزار اصطلاحنامه در این جا وجود دارد یا خیر! ولی آقای دکتر خسروی خیلی منصفانه و متین قبول کردند که نرم‌افزارشان ضعف دارد.

*** آقای باقری:** من معتقدم که بعد از این که از کامپیوتر خروجی گرفته شده است، به صورت انسانی در کتاب دست برده شده است.

*** آقای خسروی:** من حرف شما را درک کردم. بحث شما این است که اگر کامپیوتر اشتباه کرده بود، باید در تمام موارد مشابه، یکسان در می‌آمد. این حرف درستی است. ولی تا حدی ویراستاری دستی هم شده است. البته توسط دوستان ما نبوده بلکه توسط بخش انتشارات بوده است که تخصص لازم را دارا نبودند. اجازه ندهید که ما تمام پشت پرده را بازگو کنیم و نباید این کارها را انجام می‌دادند و لذا شما متوجه می‌شوید که یک‌دستی‌ها موجود نیست.

*** خانم بنی‌اقبال:** حاصل این جلسه همین است که ما بفهمیم که بعد از تمام شدن کار نرم‌افزارها، ویراستارها امکان خراب کاری دارند و باید مراقبشان بود.

*** آقای باقری:** من در استفاده از این کتاب به اصطلاحاتی می‌رسم که در دو حوزه تعریف شده است. برای مثال در حوزه آموزش و پرورش و در حوزه تاریخ. کلمه تاریخ در یک جا در حوزه تاریخ تعریف شده و در جای دیگر، تاریخ (درس) در حوزه آموزش و پرورش دیده شده است. وقتی من به قسمت الفبایی این کتاب مراجعه می‌کنم تمام اخص‌های تاریخ و تاریخ (درس) در زیر هم آمده است. برای من که کتاب‌دار نیستم و کمی از این کلمات استفاده می‌کنم، جدا کردن این که کدام یک از این اخص‌ها مربوط به خود تاریخ است و کدام یک از

نباید
قضایا در
اصطلاحنامه‌ها،
ارزشی دیده شود ولی واقع
قضیه این چنین نیست که اصفا
هم ارزشی ندیده باشد. لذا هیچ ابایی
نداریم که اصل این است که ارزشی دیده
نشود ولی واقعاً در بعضی جاها
ارزشی دیده شده است.
ان‌شاءالله، درست
خواهد شد



* آقای کوشا: من تصمیم داشتم که در این جلسه شرکت نکنم، چون این کاری تخصصی است و دوستان باید در این زمینه کار کرده باشند. اما با توجه به تجربه‌ای که در استفاده از تزاروس‌های "OnLine" و "CD Rom" داشتم و تحقیقاتی که الآن در مورد متازاروس‌ها و تزاروس‌های هوشمند می‌شود، برای بحث در مورد مشکلاتی که در این نرم‌افزار است، تصمیم به شرکت در این جلسه گرفتم. الآن تزاروس‌هایی در محیط اینترنت تولید می‌شود که ویژه‌نامه‌ای را در پژوهشنامه اطلاع‌رسانی به آن اختصاص دادیم. بیش از چهارصد تا پانصد تزاروس مختلف با قابلیت‌های جستجو و ارزش‌های افزوده‌ای که دارند، وجود دارد که تمام مشکلات را خصوصاً در زمینه بازیابی اطلاعات حل کرده‌اند. به هر حال در نسخه‌هایی که از اصفا چاپ شده و نمی‌دانم که تیراژش چقدر بوده است، مشکلاتی دیده می‌شود ولی اگر ما آن را در محیط اینترنت نیز منتشر کنیم و بتوانیم بازخورد دیگران را هم بگیریم، همه موارد در عرض ده ثانیه اصلاح می‌شود و به سطح ایده‌آل می‌رسیم. وقتی من در مورد این بحث به دوست عزیزمان آقای شیری در دانشگاه استراس کلاید انگلستان که در بحث متازاروس‌های هوشمند کار می‌کنند ایمیل زدم، ایشان هم توصیه‌شان این بود که حتماً خروجی‌های اول را در محیط‌های الکترونیکی ارائه دهید. زیرا این محیط‌ها به علت قابلیت جستجو و ارزش‌های افزوده‌ای که دارد و با توجه به هزینه کمی که دارد، باید در سایت کتابخانه ملی باشد و همه استفاده کنند و بازخورد آن را بگیرند. مثلاً این امکان در سایت کتابخانه ملی پزشکی آمریکا هست.

این‌ها مربوط به تاریخ (درس) است، مشکل است. فکر می‌کنم که برای دوستان دیگر نیز باید چنین مشکلاتی وجود داشته باشد. چون من از این کتاب استفاده کرده‌ام و در حال تهیه نرم‌افزاری هستم و در این راستا با این کتاب درگیر بوده‌ام، در مورد ایرادهایی که در سیستم وجود دارد، با دیگر دوستان موافقم. مثلاً به اصطلاحی برخوردیم که در قسمت رده‌بندی چهار اخص و در قسمت الفبایی تنها دو اخص دارد. چطور ممکن است که برنامه ماشینی در یک جا چهار اخص تولید کند و در جای دیگر دو تا از اخص‌ها حذف شود!

* خانم بنی اقبال: جواب شما را به بحث "اصفا" به عنوان یک فراواژگان" مוקول می‌کنم و در آن جا امیدوارم که به جواب خود برسید. بحثی که الآن در آن وارد می‌شویم، میزان پیش‌همارایی در این اصطلاحنامه است. ما سرعنوان‌های موضوعی را در کلاس درس به عنوان یک نمونه کامل پیش‌همارا معرفی می‌کنیم و تزاروس، اولین کارش در نمایه‌سازی، ایجاد جامعیت است. یعنی اگر من اصطلاح "جهان اسلام" را می‌زنم، باید تمام مدارکی که درباره جهان اسلام صحبت کرده‌اند را به من بدهد و هیچ کدام از آن‌ها نادیده گرفته نشود. اما تصور من این است که با پیش‌همارایی واژه‌ها - با عرض پوزش به ناچار مثالی می‌زنم - "اندیشه‌های سیاسی معاصر جهان اسلام" می‌توانست با همارایی سه واژه اندیشه‌های سیاسی، تاریخ جدید یا معاصر (حال هر کدام که مرجح بود) و جهان اسلام، جامعیت کاملی را بدهد و این چنین پیش‌همارایی عظیمی صورت نگیرد و تزاروس را از شکل یک اصطلاحنامه تبدیل به یک سرعنوان موضوعی نکند.

*** خانم بنی اقبال:** اتفاقاً آقای کوشا من از دو نفر اسمی که برای دعوت به این جلسه، نام بردم، یکی شما بودید. چون من اعتقاد دارم که این جا بحث نرم افزار، بحث بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. آقای دکتر خسروی حق دارند وقتی که نرم افزار ضعیفی در اختیارشان باشد، مجبورند الآن شاهد خیلی از مشکلات و ایرادها باشند. آقای دکتر خسروی نیاز به جلساتی با صاحب نظرانی هم چون شما و بقیه در مورد نرم افزار، دارند که به داد این اصطلاحنامه برسند. مبحث بعدی که باید در این جلسه به آن پرداخته شود، مشکلاتی است که از فقدان طراحی دو زبانه در اصفا ایجاد شده است. اگر در اصفا سه زبان به صورت موازی در نظر گرفته می شدند، واژه های هر زبان برای زبان دیگر به صورت تعریف شده تر و با حد و مرز مشخص تری قابل استفاده بودند که این به خودی خود در فهم دقیق واژه ها نیز مؤثر بود. در این گونه طراحی ها ما برای واژگان، توضیح گر خواهیم گذاشت و کاربر می فهمد که اگر بخواید متن ما را به انگلیسی برگرداند چه چیزی را باید به کار برد. به عنوان مثال واژه "وقف" یعنی چه؟ چون در انگلیسی برابر "وقف" نداریم و آنویسی می کنیم. در اصطلاحنامه دوزبانه برابر آن تعیین خواهد شد تا کسی که در آینده مقاله فارسی ما را تبدیل به لاتین می کند تکلیفش روشن و مشخص باشد.

مسئله ای که می خواهم در این جا دوباره روی آن تاکید کنم این است که دامنه لغت انگلیسی کمک خواهد کرد که فارسی هم تکلیفش روشن شود. چه بسا در آن جا جلوی سیاست گذاری حرف دیگری نخواهیم داشت و مجبور خواهیم شد "سیاست" بگوییم و از "سیاست گذاری" بپرهیزیم و این به انتخاب واژه کمک زیادی خواهد کرد. در بحث دیگر، اصفا به عنوان فراواژگان، آقای سمیعی در این خصوص صحبت خواهند فرمود.

*** آقای سمیعی:** اصفا قطعاً یک واژگان تخصصی نیست. در هیچ کدام از زیر شاخه های هجده گانه که اصفا شامل آن ها است ما نمی توانیم به عنوان یک تزاروس تخصصی از اصفا بهره بگیریم و ادعای تهیه کنندگان اصفا هم این نبوده است. ولی واژگانی است که به عنوان فرهنگ، تمام زیر شاخه هایی که به صورت قراردادی جزو حوزه فرهنگ تعریف شده اند را پوشش می دهد. در چنین واژگانی، بحث هایلول تزاروس یا فراواژگان که خانم بنی اقبال ترجیح دادند، مطرح است و باید بررسی کنیم که اصفا رسالت خود را در هدایت واژگان بین رشته های مختلف چگونه انجام داده است. به عقیده من اصفا در این زمینه در ویرایش های اول و دوم چندان موفق نبوده، به عنوان مثال "تفکیک قوا" هم در حقوق و هم در علوم سیاسی مورد بحث قرار می گیرد، منتها در حقوق اصطلاح مرجعش همان "تفکیک قوا" آمده و اصطلاح مرجعش در علوم سیاسی "تظریه تفکیک قوا" است. حال اگر فرض کنیم که متخصصان موضوعی دو رشته قانع نشده اند که به خاطر این که با یک تزاروس عمومی طرف هستند، هم آرایی کنند و دو واژه را مانند هم به کار برند، حتی ارجاعی داده نشده که تفکیک قوا را

می توان در شاخه ای دیگر نیز دید. مثالی دیگر: تمام مسائل مربوط به حقوق جزای ما با استثنای خیلی نادر، همه در فقه و حوزه دین آمده است، چون بعد از انقلاب، قانون مجازات اسلامی کلاً از فقه شیعه گرفته شده است و موارد نادری است که در فقه، ریشه ندارد. ولی در بعضی جاها ارجاع داده شده و در بعضی جاها اصلاً ارجاع داده نشده است. کلاً وضع حقوق و فقه که زیر مجموعه دین است، این چنین است. مثال دیگر: "اسب دوانی و تیراندازی" از آن جا که واژگانی فقهی بوده در حوزه دین آمده و یک بار دیگر "اسب دوانی" در ورزش زیر شاخه "هنر و فرهنگ" آمده است ولی ارتباطی بین این ها برقرار نشده است. اگر بخواهیم تزاروسی تخصصی بنویسیم می توانیم ارجاعات را خیلی ساده ببینیم، اما تزاروسی که فراتر از یک شاخه تخصصی کار می کند، به عقیده من یکی از مهم ترین وظایفش ایجاد ارتباط بین واژگان در رشته های مختلف است تا کاربری که به عنوان نمایه ساز یا استفاده کننده که به آن مراجعه می کند، گیج نشود که این اصطلاح را چگونه جستجو کند و کجا به دنبالش باشد.

*** خانم بنی اقبال:** با تشکر، این دقیقاً مسئله مبتلابه روز است. جای تعجب است، اگر برای شما بگویم که وقتی ما متون جدید کتاب داری را می خوانیم، مشاهده می کنیم که بحث اصطلاحنامه قدیمی شده و اصطلاحنامه موضوعی در درجه دوم قرار می گیرد. کسانی که تزاروس تدوین می کنند - مثل همین تزاروسی که من گزارش تدوینش را به شما نشان دادم - این ها تماماً برای شما توضیح می دهند که چرا به سوی فراواژگان "High Level Thesaurus" رفته اند. ما تمام این تلاش ها را می کنیم و زحمات ما را می کشیم تا جستجوگر ما به پاسخ صحیحی برای پرسشش برسد. فراواژگان ابزاری است که الآن جای تزاروس را گرفته، همان طور که در "Mesh"، داروسازی، پیراپزشکی و مهندسی پزشکی را از هم جدا نکرده و پزشکی را به معنای عام گرفته است، الآن لازم است که ما در تدوین اصفا به یک فراواژگان بیندیشیم. تدوین فراواژگان و ایجاد درخت های ارتباطی این واژگان کار بسیار دشواری است. اما مراجعه کننده ای که به این ابزار مراجعه می کند به خوبی می تواند بفهمد که واژه X یا Y الآن در چند رشته در این جا مورد بررسی قرار گرفته است. آقای سمیعی خاص یک واژه را برای شما توضیح دادند. بنا بر این در آینده از اصطلاحنامه اصفا که به هر حال وارد گود شده است این انتظار می رود که در زمینه موضوعی خود که آن را به هجده شاخه گسترش داده است، این ارتباطها را برقرار کند. آن وقت برای من و آقای مرادی سؤال پیش نخواهد آمد که این واژه در دو حوزه کاربرد دارد، چه بسا که در ده حوزه کاربرد داشته باشد. این اصطلاحنامه در هر ده حوزه ارتباط هایش را تعیین کرده و برای شما با کدهای موضوعی مشخص کرده است که از جنبه فلان در کد موضوعی فلان قرار می گیرد و... و در نتیجه در آینده کاربرد این اصطلاحنامه در بانک های اطلاعاتی خیلی ساده تر خواهد بود.

اگر در

اصفا، سه زبان به صورت موازی در نظر گرفته می شدند، واژه های هر زبان برای زبان دیگر به صورت تعریف شده تر و با حد و مرز مشخص تری قابل استفاده بودند که این به خودی خود در فهم دقیق واژه ها نیز مؤثر بود

می‌گویم و همان طور که خانم کازرانی فرمودند که خلاف تصور ما بود واقعاً خلاف تصور ما هم بود. این بازیابی که در میراث فرهنگی شده است، دقیقاً این بحث فراواژگانی را مطرح می‌کند. زیر معماری هیچ کدام از بناهای تاریخی دیده نشده، اما هر کدام از این بناها از باب کاربردش دیده شده است. ملاحظه کنید که اگر ارتباط بین این‌ها برقرار می‌شد کار آن جستجوگر خیلی راحت‌تر بود، بحث این است.

*** خانم رها دوست:** هر حوزه علمی ملزومات خاص خود را داراست. علوم اجتماعی ملزومات خاصی دارد. علوم انسانی ویژگی‌های خاص خود را دارد و همین طور علوم طبیعی. مراجعه‌کننده به تزاروس تا این جای قضیه، شبیه‌اند که آن کسی که کاربر واقعی تزاروس است، متخصص است. چه نمایه‌سازی که ذخیره‌سازی می‌کند و چه بازیابی‌کننده‌ای که کاربری متخصص است. یعنی می‌خواهد از این اطلاعات در حوزه خاصی استفاده کند. این که مراجعه‌کننده بخواهد از یک واژه در چند حوزه علمی استفاده کند، چه معنایی دارد؟ ما با مفاهیم تازه‌ای برخورد می‌کنیم! تصورم این است که با یک ادبیات واحد قضیه را دنبال کنیم تا بتوانیم جمع‌بندی کنیم. حرف تازه‌ای به عنوان فراواژگان شنیده‌ایم. این اولاً تعریفش چیست؟ کاربردش چیست؟ به چه دردی می‌خورد؟ و چه کسانی قرار است از آن استفاده کنند؟ این مفهوم زیبا و تازه! لازم است که ما بیشتر از این درباره آن بدانیم تا تبیینش کنیم. من در حقیقت متوجه نشدم که چه دلیلی دارد که یک متخصص، اگر متخصص علوم سیاسی است، چه کاری به مسائل کاربردی که در رشته حقوق که اصلاً در تخصصش نیست، دارد!

*** خانم بنی اقبال:** مشکل در همین است. ما در تزاروس تخصصی با یک موضوع سر و کار داریم، یعنی علوم اجتماعی را از روانشناسی جدا می‌کنیم. ولی وقتی ما اصطلاحنامه‌ای مانند اصفاد تبیین می‌کنیم که این حوزه‌های وسیع نظری را می‌پوشاند، انتظار دیگری داریم. اتفاقاً در فراواژگان‌ها هم همین مورد نظر است، می‌گویند به علت این که مطمئن شویم که تمام کسانی که دست‌اندرکار هستند بتوانند حداکثر استفاده را بکنند ما فراواژگان را درست می‌کنیم.

*** خانم رها دوست:** تکنولوژی به طور پیش رونده‌ای در تمام رشته‌ها نفوذ کرده و هیچ دور از ذهن نیست که تکنولوژی بخواهد در عرصه اصطلاحنامه سازی یک کارهای تازه‌ای انجام دهد اشکالی ندارد و خیلی هم خوب است. اگر ما قرار است که بپذیریم ابتدا بایست اطلاعاتمان دقیق باشد تا بتوانیم تبیین علمی کنیم.

*** خانم بنی اقبال:** اصفا به آن عرصه پا گذاشته است و چندین زمینه موضوعی را که در هر کدام اصطلاحنامه خاص داریم، زیر پوشش گرفته است؛ آموزش و پرورش، هنر، علوم انسانی. اتفاقاً مسئله مهم این است که الآن با فراواژگان، سطح و عمق با هم پیش می‌رود. در سطح ارتباطها این‌هاست و در عمق، ارتباطها این‌ها هستند. بنا بر این ساختار را کامل می‌کند.

*** آقای خسروی:** من واقع قضیه را نفهمیدم. اگر حرف این است که یک توصیف‌گر در یک تزاروس می‌تواند ده تا نیا داشته باشد در این شکی نیست. یعنی توصیف‌گر می‌تواند در ده حوزه حاضر شود. نحوه ظهور این هم به این شکل است که در انواع نمایش‌هایی که داده می‌شود عنوان می‌شود که در کجا به کار برده شده است. به عنوان نمونه، مطبوعات که در حوزه علوم سیاسی آمده در زیر آن آمده که در حوزه ارتباطات و حوزه هنر هم آمده است و تنها راه برقراری ارتباط، ایجاد و بیان کدها است، چاره دیگری هم نیست. ولی غلط نیست شما اگر اسب دوانی را در ده حوزه به کار ببرید. اسب دوانی همان اسب دوانی است در جایی نگاه "سبق و رمایه" دارد که نگاهی فقهی است و در جایی نگاه مسابقه اسب دوانی! ولی اسب دوانی، اسب دوانی است، تفاوتی نمی‌کند. با این علائم ما این را نشان داده‌ایم که در چند جا به کار برده شده و آدرس دهی شده است.

*** خانم بنی اقبال:** آیا دیدن این ساختار درختی در نرم‌افزار این اصطلاحنامه امکان پذیر است؟

*** آقای خسروی:** ادعای من این هست که الآن رؤیت شده و در کتاب وجود دارد.

*** آقای سمیعی:** ما فراموش نمی‌کنیم که اصفا به عنوان اولین کار، بسیار ارجمند است و در این هیچ بحثی نیست، بحث تنها این است که ما در آینده بتوانیم بهتر و کامل‌تر از آن استفاده کنیم. فرض کنیم "تفکیک قوا"، اگر در تزاروس تخصصی حقوق، فقط بگوییم "تفکیک قوا"، هیچ مشکلی ندارد. اگر در علوم سیاسی آن را مطرح کنیم باز هیچ مشکلی نخواهد داشت. ولی الآن ما تزاروسی داریم که "تفکیک قوا" را به عنوان یک واژه فرهنگی در جاهای مختلف می‌خواهیم به کار ببریم. بنا بر این ما باید یک تفکیک قوا بیاوریم و بگوییم که در چه جاهایی به کار می‌رود. ولی یک بار در حقوق "تفکیک قوا" را آورده‌ایم و یک بار "نظریه تفکیک قوا" را در علوم سیاسی آورده‌ایم و بین این دو هیچ ارتباطی برقرار نکرده‌ایم. بالاخره کتابی که می‌خواهد با رویکرد فرهنگی در مورد تفکیک قوا هم از نظر حقوقی و هم از نظر سیاسی بحث کند چه نمایه‌ای بدهیم هر دو نمایه را بدهیم! ما یک واژگان داریم؛ ما هجده واژگان تخصصی را با هم جمع نکرده‌ایم؛ ما یک واژگان فرهنگی درست کرده‌ایم و باید تمام حوزه‌های خود را پوشش دهد و خیلی واضح است. این یک مثال است، شما ده‌ها مثال از این قبیل دارید. یعنی ما باید به این واژه به صورت عمومی در فرهنگ نگاه کنیم نه این که ما هجده قسمت را در کنار هم بگذاریم تا تبدیل به یک واژگان فرهنگی شود.

*** خانم بنی اقبال:** باید توضیح کوچکی را عرض کنم که مسئله برای همه مشخص شود. بازیابی که از تزاروس اصفا در میراث فرهنگی کردند، که من در این جا به آقای دکتر خسروی تبریک

است. این که ما در جلوی اسب‌دوانی توضیح‌گری بگذاریم، اگر سؤال این است که در فقه و در آن طرف هم توضیح‌گر دیگری بگذاریم، این خواست دوستان نیست. قطعاً معتقدند که اسب‌دوانی همان اسب‌دوانی است، این کار هم فعلاً در تزاروس شده و کامل نیست و توضیح خواهیم داد. در نظریه تفکیک قوا ذیل اندیشه سیاسی مونتسکیو آمده، این نگاهی کاملاً تخصصی است. نگاه مونتسکیو بوده که نظریه تفکیک قوا را داده است این نگاهی هم تاریخی و هم اندیشه‌شناسی است، می‌تواند اندیشه فلسفه سیاسی هم باشد. در این جا که راس آن مونتسکیو است، جایی که دولت آمده، به مناسبت، تفکیک قوا به آن مرتبط شده است. حال سؤال این است که بهتر نیست که این دو به هم ارجاع داده شوند و به نوعی مرتبط و وصل شوند. منتهی اگر چنین کاری را در سطح تزاروس بخواهیم انجام دهیم به صورت دستی دیگر نباید منتشر شود و پاسخ‌گو نخواهد بود. شما انواع ارتباط را که در دل تزاروس هست، رد نظر بگیرید، الآن - اگر ترسیم - در این جا دوازده هزار واژه داریم، دوازده هزار فاکتوریل باید تولید داشته باشیم. به علت این که در بعضی جاها داخل هم رفته و چاق و گسترده می‌شود به گونه‌ای که از استفاده می‌افتد. مگر این که نگاهمان نگاهی ماشینی باشد.

* خانم عماد: من چون خودم علوم سیاسی هم خوانده‌ام، باید این را عرض کنم که فرمایش هر دو بزرگوار از نظر علمی و فنی کاملاً صحیح است. اما وقتی نظریه تبدیل به عمل کرد می‌شود، اگر در همین اصفا از اصطلاح مرتبط استفاده شود، کاربران کاملاً می‌توانند بدانند که مینا چیست. چون تمام مسائل حقوقی کشورهای تیپ ما از مونتسکیو الهام گرفته و ما مسلمان هستیم و یکی از منابع مان فقه است و مسائل فرهنگی مربوط به خودمان و باید به آن توجه کرد. در مورد فرمایش حضرتعالی که اشاره فرمودید که در آن صورت خیلی دشوار می‌شود، می‌خواهم بگویم نه خیلی هم آسان می‌شود؛ دشواری برای شما تولید کنندگان است.

* خانم بنی اقبال: من اضافه می‌کنم که آنهایی که می‌سازند باید دید که چگونه بر این مشکل فائق آمده‌اند. در این جا هم می‌توان از آن سیاست‌ها استفاده کرد.

* آقای پورممتاز: در حال حاضر صحبت این است که به خاطر گسترش امکانات ارتباطی، مخاطب‌های اطلاعاتی کاملاً عوض شده‌اند. مخاطب‌ها که عوض شده‌اند نیازهای جدیدی را بوجود آورده‌اند که ابزارهای متفاوتی را می‌خواهد و مهم‌ترین ابزاری هم که الآن می‌تواند بحث و مطرح شود همین بحث فراواژگان‌ها است که در حقیقت هر انسانی را با دید عمومی می‌تواند به یک متخصص تبدیل کند، از نظر جستجویی که انجام می‌دهد و نتیجه‌ای که به دست می‌آورد. چون این شاخه‌های موضوعی با یک کلید واژه عمومی،

* خانم رهادوست: من شخصاً در مورد فراواژگان به منابع خیلی بیشتری مراجعه خواهم کرد و خیلی خوب است که توضیحی داده شود و کسانی بنویسند.

* خانم بنی اقبال: ال آن دانشجویی در دوره فوق لیسانس، مشغول نوشتن پایان‌نامه‌ای با عنوان تدوین فراواژگان به جای اصطلاحنامه‌های تخصصی است. در انگلیسی چند اصطلاح از آن داریم، متنازروس داریم، های‌لول تزاروس داریم، ماکرو تزاروس داریم، به جای همه این‌ها چه باید بگذاریم و این شما هستید که اظهار نظر خواهید کرد.

* خانم رهادوست: علیرغم همه این صحبت‌ها، من فکر می‌کنم اگر قرار باشد روزی در کتابخانه ملی یا هر نهاد دیگری در کشورمان تشکیلاتی پیدا شود که به اطلاعات آن قدر اهمیت دهد و ساختن اصطلاحنامه برایش اهمیت داشته باشد که بخواهد در سطح کلان برنامه ریزی کند، به نظر من، چنین مسائلی در عین جذابیتی که دارد باید تعیین اولویت شود. یعنی در شرایطی که اصطلاحنامه‌هایی

روی کار می‌آید که واقعاً گاهی باعث آبروریزی است، در چنین شرایطی برای حل مسائل واژگان کنترل‌شده، تعیین گسترش امکانات ارتباطی، مخاطب‌های اطلاعاتی کاملاً عوض شده‌اند.

* آقای سمیعی: اگر واقعاً اصفا نمی‌خواسته است که در این حوزه وارد شود، دلیلی نداشته که در بسیاری از موارد، حتی چهار رشته مختلف را در زیر یک واژه معرفی کند. واژه‌های را در حقوق گفته که به این معناست، در اقتصاد به این معنا و در جامعه‌شناسی به این معنا آمده است. بنا بر این اصفا می‌خواسته که وارد این حوزه شود و این نیز کاری ستودنی است.

الآن موتورهای جستجویی که در اینترنت هستند معمولاً از این قبیل‌اند. نکته‌ای که خانم رهادوست فرمودند که متخصصی که در علوم سیاسی کار می‌کند چه کار دارد ببیند که در اقتصاد چه می‌گذرد! من را به یاد جریانی انداخت. زمانی که من دانشجوی بودم برای خرید کتاب خاصی، بن کتاب می‌خواستیم بگیرم که مسئول توزیع بن به من گفت که رشته شما این نیست و برای چه می‌خواهی این کتاب را تهیه کنی و به من بن را نداد و نگذاشت که من کتاب را بخرم! این به عقیده من اصلاً درست نیست و تمام متخصصان موضوعی دوست دارند که موضوع مورد نظرشان را از زاویه دیدهای مختلف بررسی کنند. کاملاً به یک حقوق‌دان مربوط است که در نظریه تفکیک قوا در علوم سیاسی چه مباحثی آمده است.

* آقای خسروی: یک توصیف‌گر می‌تواند در جاهای مختلفی ظاهر شود مثل همان اسب‌دوانی، اسب‌دوانی همان اسب‌دوانی است. یک معنا دارد، منظر استفاده‌کننده متخصص و نمایه‌ساز متفاوت



کشورهای توسعه یافته با تزاروس انجام داده‌اند و دیگر به این مصاحبه‌ها و صرف وقت‌ها لزومی نیست و با مراجعه به این شاخه‌ها، به راحتی به موضوع خاص خود پی می‌برند که به دنبال چه واژه‌ای باید بروند.

*** آقای پورممتاز:** در مورد موضوعی که آقای سمیعی فرمودند؛ ما در حقیقت به جای بحث پشتوانه انتشاراتی، بحث پشتوانه مفهومی و پشتوانه واقعی را داریم. همان بحث رنگ را که شما فرمودید، اگر ما واقعاً وارد بحث رنگ شویم، وارد بحث انتخاب رنگ و بحث روانشناسی رنگ‌ها می‌شویم و آن‌ها را پیدا می‌کنیم و مفاهیم تاریخی پشت قضیه؛ برای مثال وقتی رنگ سیاه مطرح می‌شود ارتباط باید بدهند به سیاه جامگان و دیگر ارتباطاتی که می‌تواند در ترسیم مینیاتور دانش به کاربران کمک کند.

*** خانم بنی اقبال:** بحث آخر که تجربه به کارگیری اصفا در نظام ملی اطلاع‌رسانی کشور است را به تفکرهای آینده و اظهار نظرهای آینده موکول می‌کنم و الآن به خاطر ضیق وقت از آقای خسروی خواهش می‌کنم که هر گونه اظهار نظری دارند بیان کنند.

*** آقای فراستی:** اجازه می‌خواهم در حضور اساتیدم خانم دکتر عماد و آقای خسروی پیشنهادی دهم و اگر مطلب و یا ایرادی را بیان می‌کنم به عنوان یک شاگرد قلمداد فرمایند و جوابی بفرمایند تا این شاگرد راهنمایی شود. شما خیلی سریع از پشتوانه انتشاراتی گذشتید، من در این زمینه مختصری بررسی کردم، زیرا من در اسناد تاریخی کار

می‌توانند شخص را به پاسخ‌های تخصصی برسانند و این موضوع هم که ایشان فرمودند که اصفا بیشتر جنبه فراواژگانی پیدا کرده است، به نظر من جنبه بسیار مثبتی است که افق‌هایی را باز می‌کند که شاید خیلی از بحث‌ها را روشن‌تر کند. مثلاً شما که بحث سیاست را مطرح کردید، برای سیاست در انگلیسی ما دو واژه داریم "Policy" و "Politic"، پالیتیک در فارسی ترجمه دارد و پالسی ترجمه‌ای ندارد. یعنی مفهوم جدیدی وارد می‌شود و این مفهوم جدید که به عنوان پالسی وارد شده و در اصفا به جای سیاست گذاری آمده است، خود این ساختار، حضور سیاست‌گذاری را توجیه می‌کند. چون مفهومی جدید است مثل مثال‌هایی که زدیم. حال وقتی تزاروس می‌خواهد تخصصی شود جا برای ریز شدن و رفتن در آن خیلی خواهد بود. مثلاً در جمله‌ای تکرار شد که اسب‌دوانی همان اسب‌دوانی است، نه، اسب‌دوانی، اسب‌دوانی نیست، برای این که ما در انگلیسی معادل آن ده لغت داریم. فرض کنید حرکت‌های نمایشی با اسب، مسابقات اسب‌دوانی، پرش با اسب و بقیه مواردی که ورود در آن، در حوزه ورزش است. ولی ما در این جا فقط در آن حد که این مباحث را داشته باشیم، داریم.

*** خانم بنی اقبال:** ما هم نمی‌دانیم که مراجعه‌کننده دقیقاً چه می‌خواهد. دانشجویی آمد و به من گفت که در زمینه فرش بافی چه داریم و من در جواب گفتم که چنین منابعی، بالاخره به این رسیدم که رنگ را در قالی می‌خواهد و از آن جا به این رسیدم که گیاهانی که با آن رنگ تهیه می‌شود را می‌خواهد. ولی تصورش در این است که باید از طریق موضوع فرش و فرش بافی وارد شود. این مصاحبه، به این منتهی شد که ایشان گیاهان رنگی را می‌خواهد. حال این کار را در

می‌کنم که به جرأت می‌توانم عرض کنم که در کشور، لا اقل بیست آرشيو در زمینه اسناد تاریخی وجود دارد. وقتی به تمام مراکز اسنادی مراجعه می‌کنیم و می‌پرسیم که در سازمان‌دهی چه می‌کنید؟ همه می‌گویند نمایه‌سازی می‌کنیم. می‌پرسیم که ابزارتان چیست؟ همه درمانده می‌شوند. ما از جمله مراکزی هستیم که قدیمی‌ترین نمایه‌سازی را شروع کردیم، خیلی از سازمان‌ها هم از ما الگو گرفتند. من با ولع منتظر ویرایش دوم اصفا بودم و چندین بار به آقای خسروی تلفن زدم که چه وقتی آماده می‌شود و ما تشنه اصفا هستیم. وقتی آماده شد، من به سراغ بخش تاریخ معاصر ایران رفتم. البته در مورد تاریخ معاصر در نظر محققان وحدت نظر وجود ندارد ولی عموماً بحث تاریخ پهلوی و قاجاریه را مطرح می‌کنند. آرشيوهایی که در بحث پشتوانه انتشاراتی مطرح بود و در کشور وجود دارد، با ادغام کتابخانه ملی و سازمان اسناد، بحث دویست میلیون سند است. چند روز پیش در سمینار وزارت اطلاعات، بحث شصت میلیون سند بود. سازمان ما ادعای پنج میلیون سند را دارد. در جاهایی که من مشاور هستم و یا با آن‌ها همکاری دارم، آمار اسنادشان بیش از میلیون است. در بخش تاریخ معاصر ایران معمولاً قاجاریه و پهلوی که آمده‌اند و چون بحث جنگ تحمیلی وجود دارد، جمهوری اسلامی را هم مطرح می‌کنند و این واقعاً نیاز به ابزار دارد. من پیشنهادم این است که با توجه به این ادغام و با توجه به جایگاه این سازمان در کتابخانه ملی، این کتابخانه پاسخ‌گوی این خلأ باشد. با تمام ارادتی که دارم، می‌خواهم بگویم که با بیست تا واژه نمی‌توان دویست میلیون سند را جواب داد و اگر بشود با تجربه‌ای که این سازمان‌ها به دست آورده‌اند و کسانی که کار کرده‌اند، کاری در زمینه تاریخ معاصر کرد، بزرگترین خدمت به این کشور است.

تهیه کردیم، ابزاری برای نمایه‌سازی بود برای آن چه خودمان داشتیم. این را هم در طبق اخلاص گذاشتیم و منتشر کردیم و ادعای آن را نداریم که کامل است. اصفا دارای نواقصی هم هست که شما به آن دست پیدا نکردید و فقط خودمان از آن خبر داریم و سعی می‌کنیم که بعدها آن نواقص را برطرف کنیم. منتهی عرض من این است که الآن تزاروس سه زبانه با بودجه‌هایی که تعیین کرده‌اند، در دست تهیه است. ما الآن در بودجه و تقسیم بودجه مشکل داریم. یعنی مبلغی هنوز پرداخت نشده است و سه سال هم از اتمام پروژه می‌گذرد. این که گفته می‌شود شما متخصصان موضوعی را متقاعد کنید، متخصصان موضوعی که یک ربع به ما بین دو جلسه وقت می‌دهند، سرکار خانم قدیمی و خانم وتر با چه مصیبتی خودشان را به ایشان برسانند تا یک ربع از ایشان وقت بگیرند و متقاعدکردنشان چگونه است؛ مشکلات زیاد است. اما نکته دیگری که می‌خواهم عرض کنم این که من اعتقاد دارم شیوه‌های سنتی در سازماندهی منابع و در ایجاد تزاروس‌ها که ما به آن پرداختیم، با توجه به افزونی که در تولید اطلاعات رخ داده، دیگر پاسخ‌گو نیست. این شیوه، به قول معروف، شیوه چراغ موشی است - درست است که ما از کامپیوتر استفاده می‌کنیم - اما این شیوه دیگر پاسخ‌گوی این حجم عظیم اطلاعات نیست. همین الآن شما خانم وتر! ماهانه چند نمایه‌سازی دارید؟ پنج هزار تا در این جا است و حدوداً همین مقدار ما پایان‌نامه و عکس و امثال آن را داریم حتی بیش از این‌ها! پنجاه و چند هزار عکس و بالای ده هزار پایان‌نامه و دویست و بیست و یا سی هزار مقاله است که نمایه‌سازی شده است. این تازه سطح کوچکی است در سطح کتابخانه ملی. من معتقدم که این یک هم‌گرایی ملی را می‌طلبد و باید حرکت کنیم و نگاه هم از دید سنتی برداریم. نگاه باید صد در صد ماشینی باشد و طبیعتاً ماشینی شدن هم مشکلات و مسائل مربوط به خودش را دارد که دیگر ریزبینانه دیده نخواهد شد بلکه به شدت و به سرعت گسترش پیدا خواهد کرد. کسی هم دیگر انتظار آن دقت را از ماشین نخواهد داشت، منتها این عزم ملی را می‌طلبد و حتی این در حد کتابخانه ملی هم نیست. من اعتقاد دارم که از حاصل این جلسه - ان شاء الله - مجموعه‌ای پدید بیاید و بتواند آن کمیون و تشکیلات به طور راهبردی به آن قضیه بپردازد و بتواند زمینه‌های تدوین یک اصطلاحنامه جامع را پدید آورد که یک نگاه ماشینی است و استفاده نیز استفاده‌ای رایانه‌ای است. در مجموع می‌تواند حاصل از این نشست خوب باشد. با تشکر.

* خانم بنی‌اقبال: با تشکر از حضور تمام دوستان و تمامی دست‌اندرکاران تدوین اصطلاحنامه و خسته نباشید به آن‌ها و تشکر از مجریان کتاب ماه کلیات جلسه را با یک صلوات ختم می‌کنیم.

* آقای خسروی: به عنوان حسن ختام عرایض خودم، مقدماً تشکر می‌کنم از تمام ایراداتی که گرفته شد و می‌خواهم هر تعریف و یا ایرادی که گرفته می‌شود و یا بحث و جدلی که صورت می‌گیرد، حاصلش هم معنا شدن و هم ذهن و رای شدن باشد و - ان شاء الله - که در این میزگرد پدید آمده است. دو نکته لازم است در تکمیل پیشنهاد جناب آقای فراسی عرض کنم. واقع قضیه آن چه ما در اصفا